نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال پانزدهم - شماره ۶۷۰ - یک شنبه ۱ مرداد ۱۳۹۱ - ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان

تازه شدن داغ جای خالی شاهین در لیگ برتر





عبدالحسین کنین نویسنده و اهل فرهنگ:

نباید مأیوس شد

صفحه ۶

پورفاطمی : استاندار استعفا دهد

جهانبخش: در زمینه تحقق مصوبات سفرهای هیأت دولت، بوشهر جزو ده استان برتر کشور است



آقای فرمانده، ساحل دریا را از بوشهری ها نگیرید

صفحه ۳

۳

دکتر محسن رنانی اقتصاددان برجسته کشور:

افزایش تخریب سرمایه اجتماعی به صورت خود افزا

۶

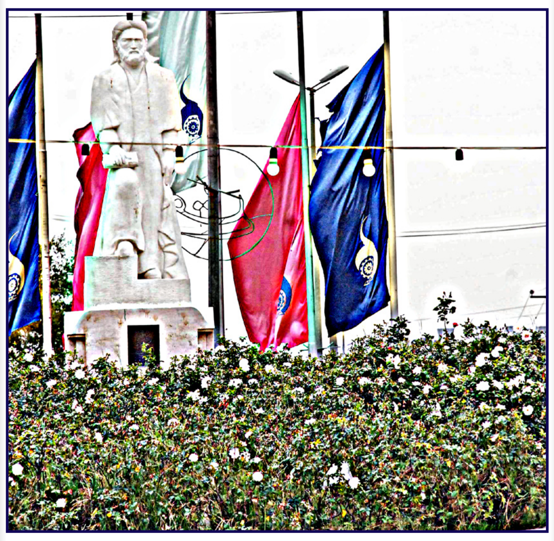
رمضان و بوشهر

۴

ممنوعیت موسیقی محلی در بوشهر، توهین به فرهنگ بوشهر

۵

بدعت گذاری در دانشنامه بوشهر



گفت وگو با مهندس جمالی شهردار شهر جم:

شهر جم همه عوامل توسعه را داراست

صفحه ۷

هوای بوشهر ۶۲ روز خطرناک و ۱۵۹ روز ناسالم است

صفحه ۲



قوانین آپارتمان نشینی برای کودکان

بچه ها ما که در یک آپارتمان زندگی می کنیم باید خیلی مراقب باشیم تا باعث ناراحتی دیگران نشویم. پس به این نکته ها دقت کنید :

- هیچ وقت توی راه پله ، پارکینگ و حیاط آپارتمانمان زباله نمی ریزیم به این خاطر که ما بچه های تمیزی هستیم.
- وقت تماشای فیلم و کارتون و بازی پلی استیشن صدای تلویزیون و یا رایانه را بلند نمی کنیم تا باعث ناراحتی همسایه هامان نشویم.مخصوصاً ظهرها که بزرگترهای روزه دار در حال استراحت هستند .
- ما بچه های یک مجتمع همه با هم دوست هستیم و با شادی بازی می کنیم و هیچوقت با بچه‌های دیگر آپارتمان دعوا نمی کنیم.
- هیچوقت روی دیوارهای راهرو با مداد و خودکار نقاشی و خط خطی نمی کنیم.
- به همسایه ها و بزرگترها همیشه سلام می کنیم و به آنها احترام می گذاریم.
- توی راه پله ها ، پارکینگ و راهروی آپارتمانمان بدون سرو صدا و شلوغی حرکت می کنیم تا باعث آزار همسایه ها نشویم.
- ما چون گلها و درختان را دوست داریم مواظب گلها و درختان آپارتمان و حیاط مجتمع هستیم و در نگهداری از آنها به بزرگترهایمان کمک می کنیم.
- همیشه در بیرون بردن کیسه های زباله در ساعت اعلام شده به پدر و مادرهایمان کمک می کنیم .
- ما بچه های خوب در داخل خانه دنبال هم نمی دویم چون ممکن است صدای پای ما باعث ناراحتی همسایه ی طبقه پایین شود . پس با اجازه بزرگترها به حیاط می رویم و بازی می کنیم.
- هیچوقت در اصلی مجتمع را بدون اجازه بزرگترها باز نمی گذاریم تا غریبه‌ها بدون اجازه وارد مجتمع نشوند.
- ما بچه ها هیچوقت برای بازی به تراس آپارتمان نمی رویم چون تراس جای خطرناکی است.

شهرداری بندر بوشهر

- در راه پله ها نمی دویم و توپ بازی نمی کنیم چون دوست نداریم با سر و صدای خود باعث ناراحتی همسایه‌های دیگر شویم. برای همین از پله ها و راهروها آرام بالا و پایین می‌رویم .
- همیشه به همسایه های پیرمان در بالا بردن اسباب و وسایلشان تا جایی که می توانیم کمک می کنیم .
- هیچ وقت بعد از خوردن شکلات یا بستنی ، چوب و کاغذ آن را در آسانسور مجتمع نمی‌اندازیم! برای اینکه ما دوست داریم آسانسور آپارتمانمان همیشه تمیز و مرتب باشد.
- همه ی ما بچه های خوب می دانیم که آسانسور وسیله بازی نیست و فقط از آن برای جابجایی همسایه ها استفاده می شود.
- اگر داخل آسانسور بودیم و آسانسور خراب شد و گیر کرد ، اصلاً نمی ترسیم، زود زنگ خطر را فشار می دهیم و منتظر کمک بزرگترها می مانیم.



روابط عمومی و اموربین الملل شهرداری بندر بوشهر

۳۰۰۰۴۸۴۳۴۸ شماره پیامک



نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۶۷۰ - یک شنبه ۱ مرداد ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

حسینی بوشهری: مردم از گرانی نگرانی دارند



مدیر حوزه‌های علمیه کشور اظهار کرد: هدف دشمنان از اعمال تحریم‌ها به تسلیم واداشتن ما است که اثر نخواهد کرد. آیت‌الله سیدهاشم حسینی‌بوشهری در همایش بزرگ مبلغان اعزامی ماه مبارک رمضان بیان کرد: گرانی در جامعه به وجود آمده است که مردم از این موضوع نگرانی دارند و مسوولان در برابر آن وظیفه‌ای دارند و طلبه‌های ما هم باید در جامعه پاسخگو باشند. البته مسوولان ما باید همت کنند که عزیزان مبلغ ما با دغدغه کمتری به تبلیغ بپردازند. وی افزود: امروز اعتقادات مورد هجمه دشمن است به طوری که در دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها، دبستان‌ها و حتی کودکستان‌های ما دشمنان با شگردهای مختلف شبهه ایجاد کرده‌اند که روحانیون باید با برپایی جلسات پرسش و پاسخ به این شبهات پاسخ دهند.ایسنا

انتقاد شهردار بردستان از علوم پزشکی بوشهر

شهردار بردستان از عدم پرداخت عوارض مربوط به پروانه بیمارستان دیر توسط علوم پزشکی انتقاد کرد. ارسلان حصیری گفت: با توجه به این که احداث هرگونه واحد ساختمانی از جمله اداری و بهداشتی در شهر مستلزم دریافت پروانه ساختمانی از شهرداری می باشد اما دانشگاه علوم پزشکی تاکنون در خصوص پروانه ساختمانی بیمارستان دیر که در شهر بردستان در حال احداث است هیچگونه اقدامی نکرده و به مکاتبه شهرداری نیز پاسخی نداده است. وی خواستار توجه بیشتر علوم پزشکی به قانون شد و ابراز داشت: مایل نیستیم این بی توجهی باعث جلوگیری از ساخت و ساز و ارجاع پرونده به کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها شود./منبع:فارس

زمینه آزادی ۱۸۹ زندانی در استان فراهم شد

مدیرعامل ستاد دیه استان بوشهرگفت:پارسال ۱۸۹ نفر زندانی جرایم غیر عمد با مبلغ ۱۴۰ میلیارد ریال توسط این ستاد آزاد شدند.اکبر محبی در نشست شورای اداری شهرستان دیلم افزود: از این تعداد ۲۲ نفر به خاطر تصادف، ۴۸ نفر مهریه، ۱۱۶ نفر جرایم مالی و سه نفر به خاطر نفقه زندانی شده بودند. وی اضافه کرد: درسه ماهه اول امسال نیز ۲۲ زندانی با کمک های ستاد دیه از زندان آزاد شده اند. محبی اظهار داشت: کمک های این ستاد فقط شامل مرتکبین جرایم غیرعمد می شود و ستاد دیه هیچ کمکی به مجرمان جرایم عمدی ارایه نمی کند.

پورفاطمی : استاندار استعفا دهد

جهانبخش: در زمینه تحقق مصوبات سفرهای هیأت دولت، بوشهر جزو ده استان برتر کشور است



نشست شورای اداری استان بوشهر در حالی برگزار شد که رئیس مجمع نمایندگان استان میهمان این جلسه بود.اظهارات تند پورفاطمی علیه استاندار و درخواست وی برای استعفای جهانبخش از استانداری بوشهر در حضور خود او، باعث شد تا عدم رضایت نمایندگان مردم بوشهر در مجلس شورای اسلامی را نسبت به عملکرد جهانبخش به صراحت نشان دهد.

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ در این نشست که سه نماینده دیگر استان نیز حضور داشتند، سید محمد مهدی پورفاطمی با اشاره به ارائه گزارش استاندار از میزان مصوبات هیأت دولت در استان گفت: استاندار باید شورای عالی مشورتی استان را با حضور نخبگان، نمایندگان مردم در مجلس، نماینده خبرگان رهبری و نماینده ولی فقیه برای بهبود وضعیت استان و معیشت مردم که تحت فشارند شکل دهد و مصوبات را پیگیری کند. ما ۱۰۰ مصوبه نمی خواهیم؛ بلکه باید پیگیری شود ۱۰ مصوبه تأثیرگزار از جلسات هیأت دولت برای استان خارج شود، همان کاری که اصفهان نیز دنبال کرد و امروز موفق بوده است.

نماینده دشتی و تنگستان با انتقاد از عملکرد استاندار در جلوگیری از گرانی ها اظهار داشت: باید خروجی چنین جلساتی مشخص باشد. اینکه دائماً در چنین جلساتی اعلام شود که گرانی نداریم و صدا و سیما هم آن را تکرار کند، در حالی که بعدازظهرها مردم با در دست داشتن کارت ملی ساعتها در صف مرغ می ایستند، اصلاً پسندیده نیست.

پورفاطمی با تأکید بر اینکه "در شرایطی که دنیا ما را تحریم کرده، نباید ما نیز همدیگر را تحریم کنیم"، گفت: مثلاً وقتی گمرک آماده همکاری برای رفع مسئله ته لنجی و بهبود معیشت مردم است، نباید این مسئله را تبلیغ کرد که ملوان قاچاقچی است.

نماینده ادوار ششم، هفتم، هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی خطاب به استاندار تصریح کرد: مردم از مشکلات اقتصادی و گرانی ها خسته شده اند، اما می بینیم رفتار کشور ما کمک به کشورهایی نظیر ترکیه است که نفت می دهیم و منت هم روی ما می گذارند. از این رو به شما پیشنهاد می کنم استعفاء داده تا بتوانید حرفهای تان را به دولت بزنید، اگر خودم هم نماینده عالی دولت بودم، در این مرحله دست به چنین کاری می زدم.

وی ادامه داد: انتقادات بنده برای جمع کردن رأی نبود و زیاد هم اهل صحبت کردن نیستم، اما باید اینها را در جلسه ای جداگانه به استاندار می گفتم که متأسفانه فرصت آن فراهم نشد.

و اما استاندار بوشهر در پاسخ به انتقادات رئیس مجمع نمایندگان استان بار دیگر از اعداد و ارقام استفاده نمود تا شاید به طریقی موفق شود پورفاطمی را متقاعد کند.

جهانبخش گفت: نمی خواهیم میان بوشهر یا اصفهان مقایسه ای داشته باشیم، اما در خیلی از موارد بوشهر پیشگام می باشد. در زمینه تحقق مصوبات سفرهای سه گانه هیأت دولت، بوشهر جزو ده استان برتر کشور است.

وی گفت: بوشهر در زمینه جذب اعتبارات عمرانی از استانهای پیشرو است و صد درصد اعتبارات سال گذشته که چهار هزارو ۹۰۰ میلیارد ریال است جذب شده است.

استاندار بوشهر اظهار داشت: در آستانه حلول ماه مبارک رمضان، در قالب طرح ضیافت برای واردات کالاهای اساسی اقدام خواهد شد که از معافیت گمرکی برخوردار خواهد بود. لذا کالاهایی که قبل از پانزدهم ماه مبارک رمضان وارد بنادر این استان شوند مشمول این معافیت خواهند شد.

وی افزود: به زودی شش شهرک صنعتی استان بوشهر به شهرکهای صنعتی پتروشیمی تغییر وضعیت داده خواهد شد.

استاندار بوشهر در این نشست بخش دیگری از سخنان خود را متوجه رسانه ها کرد و گفت: جامعه از تضعیف رسانه ها سودی نمی برد و اگر رسانه پویا باشد جامعه نیز به پویایی خواهد رسید. بر همین اساس، رسانه ها با انعکاس فعالیت دستگاههای اجرائی مانع از ایجاد شبهه در بین مردم شوند.

جهانبخش اضافه کرد: گرانی از حربه هائی است که دشمن به آن دامن می زند و همه باید هوشیار باشیم تا این سیاست استبکاری و استعماری دشمن نیز نقش برآب شود، بنابراین دراین شرایط رسانه ها نقشی مهم در تجلی خدمت نظام و مسئولان در جامعه دارند.

قائم مقام بوشهری تشکل های دانشجویی کشور درگذشت



"کوروش برزگرزاده" از همراهان همیشگی نماینده سابق بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی به علت تصادف در جاده شیراز – بوشهر دار فانی را وداع گفت. کوروش برزگرزاده، دانشجوی مقطع کارشناسی رشته مهندسی شیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر چند ماه پیش موفق شده بود در هشتمین دوره انتخابات شورای مرکزی اتحادیه های تشکل های سیاسی – اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی کل کشور با کسب آرای لازم انتخاب گردد و همچنین در اولین جلسه شورای مرکزی جدید اتحادیه، وی بنا به انتخاب اعضای شورای مرکزی به سمت قائم مقام اتحادیه منصوب شد.سپس حکم مسئولیت ایشان توسط ریاست جدیددانشگاه آزاد اسلامی کشور دکتر دانشجو امضاء وابلاغ گردید.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر:

هوای بوشهر ۶۲ روز خطرناک و ۱۵۹ روز ناسالم است

فاضلاب بوشهر از ۳ کانال وارد دریا می شود/ ٦ بیمارستان استان زباله سوز ندارند

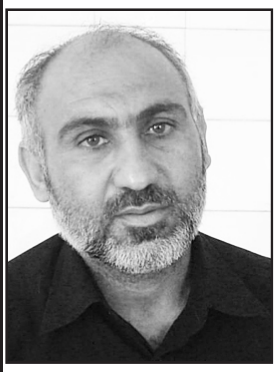
مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر گفت: ریزگردها که چند سالی است به عنوان مهمان ناخوانده شمار زیادی از استان های کشور را با چالش روبرو کرده است دراستان های مرزی ازجمله بوشهر تبعات بیشتری را گریبانگیر مردم کرده است.مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهراضافه کرد: ذرات معلق در هوا ناشی از ریزگردها از ۱۰۰ تا ۱۵۰ میکروگرم بر مترمکعب کیفیت هوا ناسالم است، ۱۵۰ تا ۲۰۰ میکرو گرم در وضعیت اضطراری و ۲۰۰ تا ۳۰۰ میکروگرم برمترمکعب بسیار ناسالم و از ۳۰۰ به بالا نیز در مرحله خطرناک و بحران است. مطهری گفت: این درحالی است که پارسال ۶۲ روز غلظت ذرات معلق درهوای استان بوشهر بیش از ۳۰۰ میکروگرم برمترمکعب بود و ۱۵۹ روز نیز در وضعیت ناسالم قرار داشت.وی افزود: باتوجه به شرجی بودن هوا دراستان بوشهر ریزگردها مانند باران های اسیدی سلامت مردم را تهدید می کند و این امر بر کیفیت محصولات کشاورزی و دیگر بخش های نیز تاثیر منفی گذاشته است.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر همچنین گفت: سرریز و نشست فاضلاب در محل های حوضچه ها هم اینک بوی تعفن ایجاد کرده و بجای اینکه عامل سلامت باشد کانونی برای تجمع انواع حشرات شده است.

سید اصغرمطهری افزود: از دیگر پیامدهای منفی اجرا نشدن شبکه فاضلاب، بدلیل بالا بودن سطح آب های زیر زمینی، نفوذ فاضلاب و آلوده کردن آب است. مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر بااشاره به اینکه سه کانال در شهر بوشهر مستقیم فاضلاب را به دریا هدایت می کند افزود: سواحل یکی از محل های مورد استفاده شنا برای بوشهریهاست که روانه شدن فاضلاب به دریا افزون بر بیماریهای پوستی برای شناگران بر سلامت آبزیان که در نهایت در زنجیره غذایی نیز قرار می گیرد تاثیر منفی دارد.

مطهری گفت: هم اینک از ۱۵ بیمارستان موجود دراین استان بوشهر فقط ۹ بیمارستان دستگاه اتوکلاو برای دفع زباله های عفونی دارند.با توجه به اهمیت نحوه دفع زباله های عفونی و بیمارستانی ما باقی بیمارستان ها نیز باید هر چه سریع تر به این دستگاه ها مجهز شوند. زباله های بیمارستانی باید جدا از زباله های عادی در منطقه ای ویژه دفن شوند و مسوولان بر این امر نظارت بیشتر داشته باشند.

رییس اتحادیه نانواهای بوشهر کشته شد



غلامرضا نسترن رییس اتحادیه نانواهای بوشهر بر اثر سوء قصد، درگذشت. گفته می شود وی جمعه شب در حال رفتن به منزل مورد حمله دو موتور سوار قرار گرفت که با ضربه شدید یک جسم سخت از پشت سر قرار گرفت و به شدت مجروح گردید.

بدن مجروح وی به بیمارستان بوشهر منتقل گردید اما تلاش پزشکان برای نجات وی موثر نبود و نسترن در شنبه شب فوت نمود.

غلامرضا نسترن عموی شهد عباس نسترن بود که چندین سال به عنوان رییس اتحادیه نانواهای بوشهر، مشغول فعالیت بود و تلاش وی در رفع مشکلات نانوایی های بوشهر از آن مرحوم چهره ای دلسوز و مردمی به نمایش گذاشته بود.

هنوز درباره عوامل این سوء قصد از سوی مراجع ذیصلاح اطلاع رسانی صورت نگرفته است.

رییس کمیسیون عمران شورای شهر بوشهر:

با ساخت و سازهای غیرمجاز دستگاههای دولتی برخورد شود

رئیس کمیسیون عمران شورای شهر بوشهر با انتقاد از ساخت و سازهای بدون نظارت و مجوز شهرداری از سوی دستگاههای دولتی خواستار اقدام جدی مقامات مسئول شد. به گزارش روابط عمومی شورا؛ داریوش پوربهی در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی شورا گفت: یکی از مشکلات حوزه ساخت ساز در بوشهر ساخت و سازهای غیر مجاز دستگاههای دولتی است که حاضر به گرفتن پروانه ساخت و ساز و نظارت شهرداری نیستند. وی افزود: اگر اتفاقی افتاد مشخص نیست برگه نظارت را باید از کجا پیدا کرد. وی ادامه داد: علاوه بر اینکه در این ساخت و سازهای بدون مجوز دستگاههای دولتی حق و حقوق شهرداری داده نمی شود مشخص نیست این ساخت سازها در زمان حوادث از جمله زلزله چقدر مقاوم می باشند.

دستگیری سارق لوازم داخل خودرو و کشف ۲۸ فقره سرقت در بوشهر

مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی استان بوشهر: با تلاش پلیس آگاهی بوشهر یک نفر سارق حرفه ای لوازم داخل خودرو دستگیر و به ۲۸ فقره سرقت اعتراف کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، مأموران آگاهی استان بوشهر در راستای برقراری امنیت اجتماعی و مبارزه با سرقت در سطح استان بوشهر در پی وقوع چندین فقره سرقت لوازم داخل خودرو با تشکیل اکیپ عملیاتی ویژه وارد عمل شدند. پلیس ضمن هماهنگی با مقام قضایی طی یک عملیات غافلگیرانه، یک نفر سارق حرفه ای لوازم داخل خودرو به نام محمد را شناسایی و دستگیر کرد. گفتنی است، متهم در بازجویی های به عمل آمده توسط پلیس به ۲۸ فقره سرقت لوازم داخل خودرو در سطح شهر بوشهر اعتراف کرد.

پایان جشنواره شهروند قرآنی با تجلیل از چهره ها و پیشکسوتان قرآنی بوشهر

بوشهر از دیرباز حضوری ابتکاری در زمینه قرآن آموزی داشته است

آئین پایانی نخستین جشنواره شهروند قرآنی بوشهر با تجلیل از چهره ها برتر و پیشکسوتان قرآنی به همراه معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد. این جشنواره به همت موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بندر بوشهر، مجمع حافظان و قاریان استان و دارالقرآن آل یاسین با فراخوان اولیه برای برگزاری مسابقه قرائت و حفظ قرآن کریم برادران و خواهران زیر و بالای ۱۸ سال آغاز شد و چهارشنبه شب با برگزاری همایش پایانی به کار خود پایان داد؛ همایشی که از ساعت ۲۱:۱۵ در مجتمع فرهنگی هنری بوشهر با قرائت عباس هاشمی که سال گذشته در مسابقات بین المللی برگزیده شد آغاز و ۱۵ دقیقه بامداد به کار خود پایان داد.



والدین نقش مهمی در پرورش چهره های قرآنی دارند

رییس شورای شهر بوشهر در این آئین گفت: برگزاری این جشنواره با حمایت شورا و همکاری شهردار و همکاران وی توسط موسسه فرهنگی ورزشی دنبال شد، ضمن اینکه در جریان دیدار سال گذشته اعضای ستاد بزرگداشت روز بوشهر با نماینده ولی فقیه و براساس تاکید ایشان برای برنامه ریزی جشواره و همایشی جهت امور قرآنی در شهر، بیش از ۶ ماه این مهم برنامه ریزی و پیگیری شد.

مسعود شکوهی با تاکید بر اینکه ترویج فرهنگ قرآنی می تواند بسیاری از معضلات شهروندی را برطرف سازد، گفت: بنده افتخار شاگردی برخی اساتید را دارم که در این جلسه به عنوان پیشکسوتان قرآنی بنای تجلیل از آنها گذاشته



شد. به عنوان نمونه شخصا شاهد بود که استاد عبدالله زاده با هنرمندی و ظرافت خاصی قرائت و تجوید را به علاقمندان می آموخت، اگرچه امروز به دلیل بیماری حنجره برای تکلم با مشکل مواجه است.شکوهی تاکید کرد: همچنین در ارتباط با چهره های برجسته قرآنی بوشهر که عباس هاشمی و رضا دیانت نفرات برتر قرائت و حفظ مسابقات بین المللی قرآن می باشند، شاهد بودم که والدین این عزیزان نقش برجسته ای در حمایت و پرورش چهره های قرآنی داشتند که باید در این فرصت از همت این عزیزان تشکر نمود.شکوهی در پایان تاکید کرد: ترویج مفاهیم و مبانی قرآنی در میان شهروندان می تواند بسیاری از معضلات حوزه شهروندی را کاهش دهد، از این رو با حمایت شورای شهر و شهردار، موسسه فرهنگی ورزشی برگزاری جشنواره شهروند قرآنی را پیگیری کرد که امیدوارم در سال های آینده نیز تداوم یابد و به تکریم چهره های قرآنی و ترویج این نگاه کمک شود.

بوشهر از دیرباز حضوری ابتکاری در زمینه قرآن آموزی داشته است

نماینده ولی فقیه و امام جمعه بوشهر نیز در آئین پایانی جشنواره شهروند قرآنی در سخنانی تاکید کرد: راه برون رفت نظام اسلامی تمسک به قرآن و مبانی آن است که خوشبختانه پس از انقلاب اسلامی این مهم در عرصه زندگی مردم پر رنگ تر شده است. به گزارش «خلیج فارس»، آیت الله غلامعلی صفایی بوشهری با بیان اینکه قرآن یکی از رحمت های الهی برای انسان است، خاطرنشان کرد: آموزه های این کتاب شریف نیازهای انسان را تامین کرده و از ابتذال دنیوی نجات می دهد. وی با بیان اینکه بوشهر از دیرباز حضور ابتکاری در زمینه قرآن آموزی داشته، گفت: قاریان و مفسران بزرگ در تاریخ این استان مشاهده شده که صاحب سبک بوده اند. در این خصوص می توان از ابوسعید سیرافی و نگاه ادبیانه اش به قرآن و نیز قرآن مرموز به کتابت معتقد اهرمی اشاره کرد که نحوه درج آیات کلام الله مجید، آن را جالب کرده که به زودی منتشر خواهد شد و همگان از این سبک بهره مند خواهند شد.

وی گفت: نتیجه زحمات گذشتگان در کتابت و آموزش قرآن در بوشهر را امروز می بینیم و در این آئین باشکوه از تنی چند از عزیزان تجلیل شده است.

تقدیر از چهره ها و پیشکسوتان قرآنی

در این آئین از برخی پیشکسوتان و چهره های قرآنی بوشهر تجلیل شد.

در بخش پیشکسوتان از عبدالرضا عبدالله زاده به پاس ۳۰ سال آموزش قرآن که تقدیر شد. همچنین از عباس هاشمی و رضا دیانت، بوشهری های برگزیده بخش قرائت و حفظ مسابقات بین المللی قرآن تجلیل شد.

از رضا نجفی که با مدرک تحصیلی فوق لیسانس علوم قرآنی و حدیث، کتبی را در این خصوص منتشر کرده، به عنوان پژوهشگر برتر قرآنی تقدیر به عمل آمد.



علاوه بر این از سیدرضا جعفری، محمدرضا محمدی باغملایی، سیدنورالدین ابطحی، سید محمد ابطحی، عبدالرسول سرخوش، سید اسدالله حسینی و عباس قلی پور به عنوان پیشکسوتان آموزش قرآن در بوشهر تقدیر شد.

در آئین پایانی جشنواره شهروند قرآنی از سید مجتبی هاشمی و زهرا کشاورزنیا مدیران دارالقرآن های نورالثقلین و طوبی تقدیر به عمل آمد.

همچنین از مهدی لبخنده پور نوجوان بوشهری که عناوین کشوری در بخش قرائت کسب کرده به همراه مریم بختیاری به عنوان نخستین بانوی حافظ کل قرآن در استان تقدیر شد.

تقدیر از برگزیدگان مسابقه حفظ و قرائت زیر و بالای ۱۸ سال شهروند قرآنی نیز که در دو بخش برادران و خواهران برگزار شده بود، از دیگر برنامه های این مراسم بود.

در بخش دیگری از این مراسم از نخستین سالنامه تخصصی قرآن بوشهر که



علاوه بر اطلاعات قرآنی، به معرفی چهره های قرآنی استان، کشور و جهان اسلام می پردازد، رونمایی شد.

اجرای مشترک گروههای تواشیح معراج بوشهر و غدیر دشتی به عنوان برگزیدگان مسابقات کشوری به همراه قرائت حمید شاکرنژاد برگزیده مسابقات بین المللی قرآن از دیگر برنامه های همایش پایانی بود.



از حاشیه های همایش پایانی شهروند قرآنی استقبال چشمگیر شهروندان و علاقمندان بود، ضمن اینکه عبدالله زاده به عنوان چهره پیشکسوت قرآنی که به دلیل بیماری حنجره و عمل اخیرش امکان تکلم نداشت، در یادداشتی که توسط مجری برنامه قرائت شد، ضمن تاکید بر این نکته که خانواده ها در کشف و جرقه نخستین در نوجوانان برای قرآن آموزی و بکارگیری آن در زندگی نقش



موثری دارند، از اقدام شورای شهر و موسسه فرهنگی ورزشی برای برپایی همایشی که خلاء آن در شهر بوشهر احساس می شد تقدیر کرد.

در پایان سالنامه های قرآنی میان شرکت کنندگان توزیع شد.

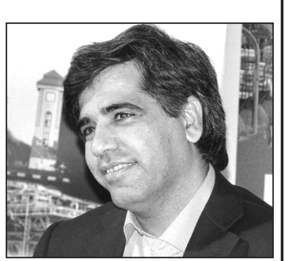


عکس ها: محمد عبیدی– راز نیوز

سلامی و کلامی...

آقای فرمانده، ساحل دریا را از بوشهری ها نگیرید

یونس قیصی زاده



فرمانده جدید انتظامی استان بوشهر در یکی از نخستین کارهای خود با اعزام نیروهای تحت امر خود به کنار ساحل بوشهر، از شنا کردن زنان که با مانتو و روسری و پوشش کامل در گرمای جان افزای بوشهر، در کنار ساحل به دریا زده بودند، جلوگیری نمود.

عباس‌زاده فرمانده جدید انتظامی استان بوشهر در اولین مصاحبه خود با اشاره به شنای برخی مردان و زنان در برخی سواحل بوشهر گفت: «بیش از این ۱۰ سال بود چنین وضعیتی را شاهد بودیم اما ساماندهی نشده بود ولی در این یک ماه با اقدامات صورت گرفته از انجام چنین اتفاقی جلوگیری کردیم و شاهد چنین اتفاقی در مکان‌هایی که قبلا شنای مختلط صورت می‌گرفت نیستیم.»

انتظار این بود که فرمانده جدید نیروی انتظامی استان بوشهر، با دقت بالاتر و با مشورت بیشتر، اقدام به جلوگیری از استفاده زنان از ساحل بوشهر می کردند. ای کاش ایشان مدتی را برای شناخت وضعیت استان بوشهر و آگاهی از چگونگی گذران اوقات فراغت مردم بوشهر می گذاشتند و از کمبود شدید امکانات تفریحی و وضعیت نابسامان مراکز استراحتی بوشهر، بیشتر اطلاع می یافتند و بعد درباره جلوگیری استفاده زنان از ساحل دریا تصمیم گیری می نمودند.

آقای فرمانده، حتما در همین مدت اندک که از فرماندهی شما در بوشهر گذشته است، وقت نموده و گشتی در بوشهر زده اید. آیا کمبود شدید مراکز تفریحی را به چشم ندیده اید؟ آیا وضعیت خراب و نابسامان مراکز استراحتی برای خانواده ها را مشاهده نکرده اید؟ آیا متوجه تعطیلی تنها پلاژ بانوان در بوشهر نشده اید؟ آیا دقت نکرده اید که دختران و پسران بوشهری در این گرمای تابستان، برای گذران اوقات فراغت خود با چه مشکلاتی روبرو هستند؟ البته از شما انتظار نداریم که بتوانید برای گذراندن اوقات فراغت خانواده های بوشهر و تفریح سالم دختران و پسران بوشهری، کاری کنید، اما انتظار داریم که بر این مشکلات اضافه هم نکنید. اینکه نگذارید زنان بوشهر در کنار همسر، و دختران بوشهری در کنار مادر و پدران خود، با پوشش کامل و لباس و مانتو و روسری از گرمای بوشهر به دریا پناه ببرند، چه مشکلی از این استان و مردم آن رفع می کند؟

نکته مهم دیگر، گرفتن تصمیمات سلیقه ای و فراقانونی است. در سرتاسر سواحل کشور، شنای زنان با پوشش کامل در دریا هیچ منع قانونی نداشته و زنان و دختران با پوشش کامل در حال شنا کردن هستند، ولی یک دفعه فرمانده نیروی انتظامی استان بوشهر تصمیم می گیرد که جلوی اینکار را در بوشهر بگیرد. بالاخره هر تصمیمی که با زندگی مردم سروکار دارد باید روالی منطقی و مراحل قانونی را طی کند. به عنوان مثال ممکن است فردا یکی دیگر از مسئولان نیز بگوید که چون حضور همزمان زنان و مردان در پارکها ممکن است مفسده انگیز باشد، پس استفاده از پارکهای عمومی را نیز باید زنانه و مردانه کرد. اگر وارد تصمیمات سلیقه ای در امور زندگی مردم شویم، روز به روز دایره تصمیماتی که می تواند زندگی مردم را بیشتر زیر فشار قرار دهد، وسیع تر خواهد شد.

فرمانده جدید انتظامی استان بوشهر در ادامه مصاحبه خود تاکید کرده است: «یکی از مطالبات بسیاری از متدینین و مردم بوشهر این بود که از شنای مختلط جلوگیری شود و با اقدامات صورت گرفته چنین اقدامی انجام شد.»

خواستم از ایشان بپرسم که چگونه وی در همین مدت اندک حضور در بوشهر، متوجه مطالبات بسیاری از متدینین و مردم بوشهر در این رابطه شده است؟ چرا کسانی که از بدو تولد تاکنون در بوشهر زندگی می کنند، متوجه مطالبات بسیاری از متدینین و مردم بوشهر درباره دریا نشده اند؟ برای اینکه نه در مطبوعات و رسانه های بوشهر چنین مطالبه ای را خوانده ایم و نه در صدا و سیمای بوشهر آن را شنیده و دیده ایم و نه طومار و اعتراض و تظاهراتی برای آن دیده ایم. حالا چگونه است که فرمانده جدید انتظامی در همین مدت اندک، متوجه مطالبات بسیاری از متدینین و مردم بوشهر درباره دریا شده است؟ بعید است که ایشان پس از شنیدن سخنان چند نفر محدود و اعتراض چند نفر از میان یک میلیون نفر بوشهری، فکر نموده باشد که پی به مطالبات بسیاری از متدینین و مردم بوشهر برده است! از فرمانده جدید درخواست داریم تا بفرمایند که طی چه نظر سنجی علمی و از میان چه نمونه ای، پی به مطالبات بسیاری از متدینین و مردم بوشهر درباره جلوگیری از استفاده زنان از ساحل دریا برده است.

ضمن اینکه باور بفرمایید که بسیاری از افراد متدین و مومن بوشهری نیز در کنار خانواده به دریا زده و با پوشش کامل به شنا می پردازند. اگر شکی در این مورد دارید کافی است که ناشناس به ساحل بروید و ببینید که چه خانواده هایی در حال استفاده از دریا هستند.

فرمانده انتظامی استان بوشهردر ادامه مصاحبه خود فرموده اند: «با افزایش نیروهای پلیس در سواحلی که شنای مختلط صورت می‌گرفت از این اقدام جلوگیری کردیم.»

حتما فرمانده نیروی انتظامی می دانند که استان بوشهر دارای بیش از ۶۲۸ کیلومتر ساحل است که تقریبا در همه جای آن می توان شنا نمود. فرمانده نیروی انتظامی بفرمایند که برای جلوگیری از شنای زنان در طول این ۶۲۸ کیلومتر به چند مامور نیاز است و چه مقدار توان و انرژی که باید از طرف ماموران برای جلوگیری از سرقت و دزدی و آدم ربایی و ... صرف شود، باید گذاشته شود تا مثلا چند نفر از زنان نتوانند با پوشش کامل، از دریا استفاده نمایند!

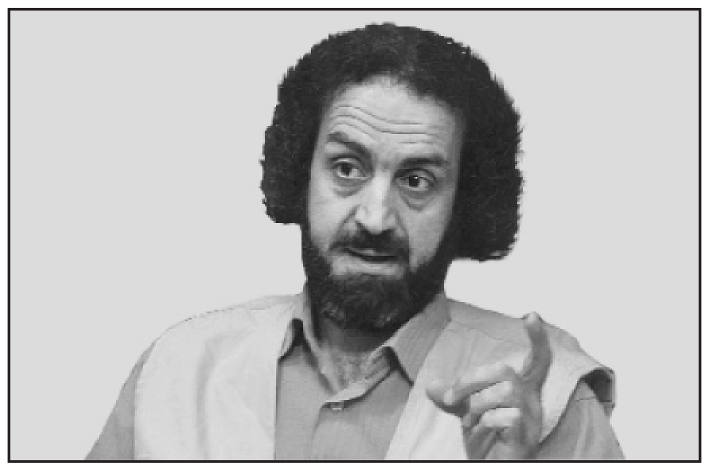
آقای فرمانده، حتما در جریان هستید که علیرغم برنامه ها و اقدامات مفید و قابل تقدیری که از سوی ماموران نیروی انتظامی در استان بوشهر صورت گرفته است، اما شهرستانهای استان بوشهر همچنان با مشکلات زیادی روبرو هستند. سرقت بالا در شهرهایی همانند بوشهر و گناوه، ناامنی در شهرستان دشتستان و توزیع گسترده مواد مخدر در برخی از مناطق کارگری شهرستانهای استان و ... باعث نگرانی مردم شده است که البته وجود آنها ربطی به نیروی انتظامی نداشته و عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در افزایش آنها دخیلند.

انتظار داریم که فرمانده جدید نیروی انتظامی استان بوشهر با تجربه ارزنده ای که در طول دوران خدمت خود بدست آورده است، سعی نماید تا کارائی نیروی انتظامی را در مقابله با دزدان و چپاولگران و مشکلات ناامنی و ... استان بوشهر بالاتر برده و با دیدی کارشناسی و نظری انتظامی، تمام سعی خود را در امن تر کردن استان نماید و مطمئن باشد بدینوسیله بیشترین خدمت را به متدینین و مردم بوشهر نموده و افتخار دنیوی و اجر اخروی را برای خود فراهم می آورد.

مصاحبه دکتر محسن رنانی اقتصاددان برجسته کشور:

افزایش تخریب سرمایه اجتماعی به صورت خود افزا

هدف اقتصادی غرب، مناقشه اتمی و نقشه جهانی انرژی



علی پاکزاد: محسن رنانی دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان پیش از این به عنوان مولف کتاب جنجالی" بازار و نابازار؟ "شناخته می شد در تازه ترین اثر خود تحت عنوان «چرخه های افول اخلاق و اقتصاد»، به بحث سرمایه های اجتماعی و تاثیر متقابل اقتصاد و اخلاق پرداخته است، رنانی برای نخستین بار در ایران رابطه اخلاق و اقتصاد را تئوریزه کرده و با مدل ریاضی ارایه کرده است، محسن رنانی معتقد است در یک اقتصاد اخلاقی رشد نقدینگی، تورم کمتری ایجاد می کند و دولتی که اطلاعات غلط ارایه میکند فقر را به جامعه هدیه خواهد کرد. محسن رنانی در نشستی که میهمان کافه خبر بود، به تشریح دیدگاههای خود و آنچه در کتاب ارایه کرده، پرداخت. مشروح این گفتگو را می توانید در ادامه بخوانید:

– شما در چند سال اخیر کم کار بودید، به غیر از کتاب «چرخه های افول اخلاق و اقتصاد»، کتاب دیگری هم در دست انتشار دارید؟

– از یک دید من کم کار بوده ام. اما از یک دید هم یکی از پرکارترین‌ها در سالهای اخیر بوده ام. مثلا از سال ۱۳۸۵ دو سه سالی از وقتم را گذاشتم بر روی کتابی به نام اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی که حدود پانصد صفحه شد و آنرا در سال ۸۷ تنها پنج نسخه تکثیر کردم وبرای پنج تن از سران کشور ارسال کردم، که البته هیچ بازخوردی ندیدم حتی اعلام وصولی هم نشد؛ من در آن کتاب که برای انتشار آن در حال گفتگو با ناشری هستم، بسیاری از فرایند های امروز را پیش بینی کرده ام. بنابراین اگر کارهایی از این دست را هم کار بدانید نه یکی از پرکارترین‌ها بوده ام. اما ممکن است بگویید بعد از کتاب «بازار یا نابازار؟» که سال ۱۳۷۶ چاپ شد دیگر کتاب جدی ای نداشته ام که می گویم درست است. گرچه بعد از آن چهار پنج کتاب داشته ام اما معمولا ترجمه بوده است. تا این که می رسیم به کتاب آخرم یعنی «چرخه های افول اخلاق و اقتصاد» که امیدوارم تاثیر مثبتی داشته باشد.

– در مورد کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی» اگر امکان دارد بیشتر توضیح دهید:

– ببینید در آن کتاب من گفته ام که این بازی که غرب بر سرما درآورده است بازی نفت است و نگران انرژی اتمی ما نیست و غرب می داند که ما به دنبال بمب نیستیم، حتی من معتقد هستم که غرب آگاهانه از طریق بازی عبدالقدیر خان ما را درگیر این بازی بزرگ تری کرده است. من همه این موضوع را در چارچوب نقشه جهانی انرژی دیده ام که غرب می خواهد ما در این بازی دخیل شویم تا از وابستگی به انرژی فسیلی به طور کلی و انرژی حوزه خلیج به طورخاص آزاد بشود، زیرا غرب نباید سرنوشت خودش را گره بزند به یک منطقه تنش آلود بی ثبات و باید از بحران های آتی پیش گیری کند. به همین منظور باید یک بازی راه بیندازد که از طریق آن بازار نفت را مدیریت کند که قیمت نفت پایین نیاید و قیمت هر بشکه نفت بین ۹۰ تا ۱۰۰ دلار بماند؛ اگر دقت کنید هر زمانی که قیمت نفت از ۹۰ دلار پایین تر می آید یک قطع نامه ای صادر می کنند که قیمت بالا برود، البته نمی خواهند خیلی هم بالا برود و مثلا به ۱۳۰ دلار برسد. زیرا برای گذار از الگوی مصرف انرژی فسیلی به این قیمت ها نیاز دارد. و این سیاستشان دارد به نتیجه می رسد. آلمان در ماه گذشته به یک آستانه مهم رسید. درست در ظهر روز شنبه هفتم خرداد ماه ۱۳۹۱ آلمان توانست نیمی از کل انرژی برق مورد نیاز خود را یعنی در حدود ۲۲ گیگاوات برق را توسط پنل‌های خورشیدی تولید کند. این حجم از تولید برق برابر ظرفیت تولید ۲۰ راکتور هسته‌ای هزار مگاواتی مشابه نیروگاه بوشهر است. این مساله از این جهت اهمیت دارد که تا کنون هیچ کشوری به این درصد بهره‌برداری دست پیدا نکرده است. البته هنوز امکان ذخیره سازی این حجم عظیم تولید برق خورشیدی را ندارند اما مهم این است که تولیدشان به این آستانه رسیده است تا بعد فکری هم برای ذخیره سازی بکنند. بنابراین آن تحولی که در کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی» پیش بینی کرده بودم که در صورت بالا ماندن قیمت نفت رخ می دهد اکنون دارد رخ می دهد و طلیعه های آن نمایان شده است. چند سالی دیگر لازم است که قیمت نفت حول و حوش صد دلار باقی بماند تا این تحول کامل شود. به این خاطر معتقدم تداوم مناقشه اتمی برای غرب خیلی حیاتی است تا بتواند با تنش آلود نگهداشتن منطقه نفت خیز خلیج فارس قیمت نفت را مدیریت کند و نگذارد پایین بیاید.

– در این بازی نمی خواهند که وابستگی ما به سوخت های فسیلی از بین برود؟

– البته درعین این که می خواهند وابستگی خودشان قطع شود اما می خواهند وابستگی ما ادامه پیدا کند تا وقتی که آنها به سلامت از الگوی سوخت فسیلی عبور کنند. آنگاه وقتی که آنها عبور کردند، تقاضای نفت کم می شود و قیمت نفت به طور طبیعی پایین می آید. پس فعلا برای یک دوره بلند مدت باید نفت در حدود ۹۰ تا ۱۰۰ دلار بماند تا صنایع غرب پوست اندازی بکنند، در سوختهای پاک، انرژی اتمی، انرژی هیدروژن و نظایر این ها سرمایه گذاری بکنند، این سرمایه‌ها جواب بدهد و تولید آنها اقتصادی بشود، بعد قیمت نفت را رها می کنند. یعنی کافی است ۱۰ میلیون بشکه نفت مازاد روی آب بماند، نفت به زیر ۵۰ دلار سقوط می کند. من تا اینجا پیش بینی کرده ام و توصیه کرده ام که هر چه زودتر از این بازی اتمی خارج شویم، غرب ۱۰ سال نیاز دارد از ایران بازی کند، غرب می‌داند ایران دشمن خطرناکی نیست ولی زمینه را فراهم می کند برای تنش آلود ماندن شرایط سیاسی در منطقه. صدام دشمن خطرناکی بود، غرب نمی خواهد مارا ساقط کند، اما می خواهد ما را در حالت تهاجمی نگهدارد، پس با پرونده اتمی بازی می کند تا بازار نفت را مدیریت کند. مثلا وقتی قیمت نفت خیلی بالای صد دلار می رود، خاویر سولانا می آید، خانم اشتون می آید، صحبت از بسته تشویقی می شود، صحبت از مذاکره می شود. اما همین که قیمت می آید زیر صد دلار، تهدید می کند، قطعنامه می دهد. این کارها را می کند تا قیمت نفت از یک حدود خاصی بیشتر نوسان نکند و در دامنه خاصی پایدار بماند. به این دلیل است که من معتقدم تداوم مناقشه اتمی به سود غرب است و ما باید به درایت از آن خارج شویم.

– اجازه دهید بازگردیم به موضوع کتاب «چرخه های افول» از چه زمانی ایده این کتاب به ذهن شما آمد؟

– من در سال ۱۳۸۱ در شماره ۱۹ مجله آفتاب مصاحبه ای داشتم با عنوان «سقوط سرمایه اجتماعی»، در آن مصاحبه اولین باری بود که در ایران بحث سرمایه اجتماعی وارد ادبیات اقتصادی می شد. قبل از آن در حد تزهای جامعه شناسی این موضوع مطرح بود ولی در این موضوع در مباحث اقتصادی ایران جایی نداشت. البته قبل از آن یک جلسه ای آقای مظاهری، وزیر اقتصاد وقت، گذاشته بود در محل ریاست جمهوری با حضور سی چهل اقتصاددان. البته بعدا فهمیدم این یک جلسه تبلیغی و تزیینی بوده است که مثلا وزیر می خواسته نشان بدهد به آقای خاتمی که دهها اقتصاددان با من همکاری می کنند، که البته این طور نبود. در هر صورت در آن جلسه به سه چهار نفر وقت دادند، صحبت کنند از جمله من، که در آن فرصت بحث سرمایه اجتماعی را مطرح کردم و گفتم که ما از این به بعد اقتصادمان گیر سرمایه اجتماعی پیدا خواهد کرد. به آقای خاتمی عرض کردم شما همه رقابت‌ها سیاسی و نیز سیاست‌های اقتصادی رها کنید و به موضوعات اجتماعی بپردازید. گفتم مردم هم که به شما رای دادند، موضوعاتشان و دغدغه شان اجتماعی بود. گفتم شما یک رسالت دارید، اینکه در دوران ریاست جمهوری بکوشید اعتماد بین مردم و حکومت را بازسازی کنید و سرمایه اجتماعی را بالا ببرید.

از آن دوران بود که به من موضوع اخلاق در اقتصاد پرداختم و در واقع کار بر روی این موضوع را آغاز کردم، که منتهی شد به تعداد زیادی مقاله و سخنرانی و راهنمایی چند پایان نامه در کارشناسی ارشد و دکتری و نیز ترجمه چند کتاب مثل کتاب «درک دموکراسی» و کتاب «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی» که هر دو توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق چاپ شد و نهایتا همه این کارها به کتاب «چرخه های افول اخلاق و اقتصاد» منجر شد. در همان مصاحبه ای که در سال ۸۱ در مجله آفتاب داشتم جمله ای گفته ام که چند وقت پیش که دیدم در یک وبلاگ به آن اشاره شده است. گفته ام با روند کنونی کاهش سرمایه اجتماعی، در انتخابات ریاست جمهوری بعدی ما شاهد نتایج شگفت انگیزی خواهیم بود، چرا؟ چون زمانی که سرمایه اجتماعی کاهش پیدا می کند مردم در جامعه دیگر عقلانی عمل نمی کنند، بلکه احساسی تصمیمی می گیرند. به عبارت دقیق تر گفته بودم مردم به جای عقل ابزاری به عقل معنایی یا شهودی خود مراجعه می کنند و به همین علت رفتارشان دیگر قابل پیش بینی نیست و دیدیم که در انتخابات سال ۱۳۸۴ رفتاری غیرقابل پیش بینی از مردم بروز کرد.

– یعنی در انتخابات بعدی شاهد نتایج عجیب تری خواهیم بود؟

– بله به شرط آنکه اجازه داده شود که مردم خودشان را بروز بدهند. همانطور که دولت آقای هاشمی اجازه داد در انتخابات سال ۷۶ مردم خودشان را بروز دهند و خاتمی را انتخاب کنند و یا در سال ۸۴ دولت آقای خاتمی اجازه داد مردم خودشان را بروز دهند و آقای احمدی نژاد را انتخاب کنند. در شرایط کنونی که سرمایه اجتماعی پایین آمده است هرگاه اجازه بروز و آشکار شدن به مردم بدهیم مردم انتخابهایی غیرقابل پیش بینی خواهند داشت. چرا که شرایط رواج بی اخلاقی یا سقوط سرمایه اجتماعی مردم دیگر خیلی به عقل مراجعه نمی کنند و از احساس شهودی خود پیروی می کنند.

– رابطه اخلاق و پول را به عنوان نماد اقتصاد چطور می توان تعریف کرد؟

– در جامعه اخلاقی مدار هزینه های کاهش پیدا می کند ، چرا؟، چون مردم عاقلانه تر عمل می کنند، به طور مثال هزینه هر سرعت گیر پلاستیکی که در خیابانهای شهر نصب می شود بالغ بر یک میلیون تومان است. این هزینه برای چه باید انجام شود؟ اگر مردم معقول و اخلاقی عمل کنند و قانون را رعایت کنند این هزینه ضروری نیست و از این دست مثالهای فراوانی می توان زد. تحقیقات جدید در کشورهای اروپایی نشان می دهد جوامعی که اخلاق گرا تر هستند حتی افزایش نقدینگی هم منجر به تورم کمتری می شود، این به خوبی رابطه اخلاق و اقتصاد را مشخص می کند.

رابطه اخلاق و اقتصاد از سقراط شروع شد. اولین شهید اخلاق و اقتصاد سقراط بود. سقراط گفت : جامعه سعادتمند، جامعه اخلاقی است. امروز اقتصاددانان وجامعه شناسان توسعه می گویند جامعه توسعه یافته جامعه اخلاقی. فقط واژه توسعه را جای واژه سعادت گذاشته ایم اما نکته همان است که بود. پس ۲۵۰۰ سال طول کشید تاعلم اقتصاد توانست این حرف ساده سقراط را عملیاتی اش کند، برای آن شاخص بسازد و با آمار و ارقام نشان بدهد که نقش اخلاق در اقتصاد چقدر مهم است. واقعا حیرت انگیزه است که این فیلسوفان یونانی چقدر جلو بوده اند. انسان ۲۵۰۰ سال دویده تا به اینجا برسد که اگر دولت دروغگو باشد مردم فقیر می شوند، هرچقدر هم پول خرج کنید، محصول دولت دروغگو، فقر مردم است. شاید این حرف به نظرتان حرفی بزرگ است ولی نه، به سادگی قابل نشان دادن است ما آنرا به صورت ریاضی هم نشان داده ایم. دولتی که راست نمی گوید، منجر به فقر اقتصادی جامعه می شود. این موضوع را با مدل ریاضی هم نشان داده اند. مقاله ای در همین زمینه در مجله «اقتصاد تطبیقی» شماره دو چاپ شد. همین است که شما می بینید اینهمه پول خرج می شود ولی رفاه ایجاد نمی شود. به این علت است که بازدهی ، کارایی و بهره وری با دروغگویی دولت پایین می آید. سخت هم نیست که این رابطه را بر قرار کنیم ، وقتی دولت راست نگوید، به طور مثال بهره وری در ذوب آهن کاهش پیدا می کند، پیچیده نیست و این رابطه وجود دارد و تلاش دانش جدید اقتصاد این است که این روابط را آشکار کند.

– عدم اعتمادی هم مردم به دولت پیدا می کنند، بازخوردش در بازارهای مالی شکل می گیرد، یعنی هر نکته ای که از سوی مسئولین بیان می شود، مردم بر خلاف آن حرکت می کنند.

– بله یکی از پیامدهای دولتی که راست نمی گوید این است که وقتی مردم اعتمادشان را به مراجع رسمی از دست می دهند، می روند و کالاهای معیار پیدا می کنند؛ می گوید من دیگر آمار تورم را قبول ندارم و می رود یک کالای شاخص پیدا می کند و بر اساس قیمت آن کالای شاخص تورم را محاسبه می کند. به طور مثال طلا و دلار ؛ یعنی وقتی مردم اعتمادشان را به آمارهای رسمی از دست بدهند می روند و کالا یا شاخص معیار پیدا می کنند، برای مردم ایران، قیمت بنزین ، طلا و ارز و قیمت زمین شده‌اند کالاهای معیار و مردم به قیمت این کالاها نگاه می کنند و تورم را تخمین می‌زنند و هرچقدر هم دولت داد بزند که تورم چقدر است، مردم گوش نمی دهند و به تغییرات قیمت این کالاها نگاه می کنند و عمل می کنند.

– اینجا همان نقطه ای است که بازخورد سیاستهای اصلاحی کاهش پیدا می کند.

– بله، این یعنی کاهش کشش یا ضریب تاثیر سیاست ها. به این مفهوم که در شرایط بی اعتمادی میزان تاثیر گذاری سیاستها بر متغیرهای اقتصادی کاهش پیدا می کند؛ یک زمانی نرخ بهره یک درصد کم می شود شاهد موج سرمایه گذاری رو به ازدیاد هستیم، مانند کشورهای اروپایی که بانکهای مرکزی شان نیم درصد با نرخ بهره بازی می کند اقتصاد کلی واکنش نشان می دهد، اما در ایران ۱۰ درصد نرخ سود بانکی کاهش پیدا می کند، هیچ اتفاقی نمی افتد، این یعنی کشش سرمایه گذاری نسبت به سیاستهای دولت صفر است.

– در بحث سرمایه اجتماعی وضعیت موجود را تبین کردید، حالا سئوال اینجاست، با توجه به آنچه در «چرخه های افول اخلاق و اقتصاد» تصویر کرده اید چطور می توانیم شرایط انباشت مجدد سرمایه اجتماعی را فراهم کنیم؟

– سرمایه اجتماعی ویژگی های مشترکی با سرمایه اقتصادی دارد، سرمایه وقتی شروع به تخریب می کند، فزاینده تخریب می شود و وقتی تجمیع می شودهم فزاینده تجمیع می شود، یعنی نرخ تجمیع فزاینده است. سرمایه «خودْ افزا» ست و جاذب انواع سرمایه های دیگر هم هست، یعنی وقتی سرمایه اجتماعی امد انواع دیگر سرمایه های فیزیکی و اقتصادی و انسانی را هم به همراه خود می آورد. دوبی آمد یک محیط امن و یک محیط پر از سرمایه اجتماعی درست کرد، یعنی از محیط حقوقی امن شروع کرد، بعد مناسبات انسانی خوب را سازماندهی کرد و یک محیط پر از سرمایه اجتماعی ساخت. چنین شد که سرمایه اقتصادی آمد سرمایه انسانی هم از همه جای دنیا آمد، ولی دوبی نرفت اول آدم ها را از دور دنیا بردارد بیاورد، بلکه محیط بازی را خوب طراحی کرد. پس سرمایه، هم زمانِ تجمیع، خود افزاست وهم، زمانِ تخریب.

در حال حاضر شاهد تخَریب سرمایه اجتماعی هستیم و این تخریب به صورت خود افزا در حال افزایش است، وقتی به یک راننده می گوییم، پشت چراغ قرمز توقف کند در پاسخ می گوید: «خدا عوضت بده، سه هزار میلیاردش رو خوردند و بردند، تو به من میگی ، اینجا وایسم!!»، الان ما وارد فرایند تخریب تساعدی شده ایم. اما در حال حاضر من معتقدم اگر انتخابات ۸۸ در مسیر بی تنشی طی شده بود ممکن بود تخریب سرمایه اجتماعی کم شود یا حتی بازسازی شود. البته در شرایط فعلی ما نیاز به سرمایه نمادین داریم، سرمایه نمادین در اصلاح سرمایه اجتماعی بسیار با اهمیت است و باید به تولید سرمایه نمادین بپردازیم که در انتخابات بهترین فرصت ایجاد شد. دوبی بعد از آن که یک بستر حقوقی اولیه ایجاد کرد رفت سراغ سرمایه های نمادین، مثلا رفت سراغ دیوید بکام و گفت من یک ویلا اینجا در جزیره نخل به شما هدیه می دهم، بعد هم تبلیغ کرد که در جزیره نخل، دیوید بکام ویلا دارد و به این شکل سرمایه نمادینی مثل بکهام را به خدمت گرفت و بعد جزیره نخل را جهانی اش کرد و برای خودش سرمایه نمادین ایجاد کرد. پس از این ورزشکار که یک سرمایه نمادین جهانی بود استفاده کرد تا سرمایه های دیگر را جذب می کند و بعد خود جزیره را هم به یک سرمایه نمادین تبدیل کرد.

– این سرمایه نمادینی که شما از آن نام می برید، در شرایط فعلی دچار چالش است، چون به فرض که یک چنین سرمایه نمادینی پیدا شود و به مردم بگوید من آمده ام که وضعیت اقتصادی را سامان بدهم، به نظرم این طیف عظیم مردم که در سالهای اخیر دچار یارانه نقدی شده و یا در گیر فساد اقتصادی بوده است، اجازه نمی دهد که تغییرات مثبت مورد نظر را ایجاد کند و فکر میکنم در مقام عمل سقوط کند. در تاریخ معاصر هم می بینیم وقتی شاهد حضور این سرمایه های نمادین هستیم به دلیل انکه سرمایه اجتماعی کافی نداریم فقط در یک دوره کوتاه عمر می کند.

– این درست است و باز می گردد به یک ویژگی مردم ایران، البته من در این مورد در حال بررسی هستم و قرار است در یک نشست علمی این موضوع را به صورت کامل باز کنم ولی به صورت اجمالی اگر بخواهیم به آن بپردازیم، این است که مردم ایران مردم عجول و کم صبری هستند. ببینید انگلیس ها طی هفتصد سال حکومت سلطنتی فقط یک شاه را کشتند، تازه آن یک شاهی را هم که کشتند بردند مجلس، محاکمه اش کردند و حکم اعدام دادند و بعد رسما اعدامش کردند. ما در این سیصد سال اخیر تقریبا هر سی سال یا هر نسل یک شاه یا حاکم را کشته‌ایم. مردم ایران عجول هستند و شخصیت تاریخی کودکانه ای دارند، یعنی بستنی را می خواهد، همین الان هم می خواهد، شخصیت تاریخی ما به بلوغ نرسیده. ببینید با هزار هیاهو رئیس جمهوری را می آوریم و وقتی دیدیم بعد از چهار سال نتوانست کاری بکند، دلزده می شویم و برایش جک می سازیم و بعد هجوم می بریم به طرف فرد دیگری که گمان می کنیم می آید و روی این را کم می کند. به طور خلاصه می توان گفت مردم ایران در شرایط کودکی تاریخی مانده اند و به بلوغ تاریخی نرسیده اند و بیش از آنکه عقلانیت شان در تصمیماتشان دخیل باشد، احساساتشان را در تصمیم گیری دخیل می کنند و این معضلی است که برای حل کردنش نیاز به یک تحول بلند مدت تاریخی داریم .

– اخیرا تئوری پیری نظام را مطرح کرده اید این نظریه در چارچوب چرخه های افول قابل تعریف است؟

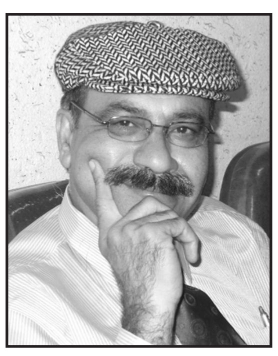
– این بحث سیستمی است و بر گرفته از مباحث اقتصاد فیزیک است که در چند سال مطالعاتی در مورد آن داشتم. رویکردی است که تئوری های فیزیک را در فضای اقتصادی مورد آزمون قرار می دهد و یک چارچوب تحلیلی جدا دارد. خلاصه پیوند بحث کهولت نظام و چرخه افول اخلاق این است که جامعه ای و اقتصادی که در آن سرمایه اجتماعی افول کند دچار پیری زودرس می شود. مساله خیلی ساده است: آدم بد اخلاق زود پیر می شود، نظام یا جامعه بداخلاق هم زود مستهلک می شود. جامعه ای که در ان سرمایه اجتماعی و اخلاق افول می کند به لحاظ سیستمی باید خیلی هزینه صرف کند، این است که در چنین جامعه ای همه خسته هستند و زود پیر می شوند. می خواهد برود و یک نان بگیرد ولی در همین رفت و آمد ساده بیش از حد باید انرژی صرف کند و مراقب خود باشد و به همین علت زود خسته می شود. مثلا خود من وقتی همسرم می گوید چیزی بخرم، عزا می گیرم، که باید بروم در کوچه و یک چیزی خرید کنم و برگردم! و چقدر حالا باید سر صدا و بوق و دود و تنش های مردم و بدخلقی شان را تحمل کنم تا برگردم. برای خرید نان زود خسته می شوم اما اگر چند ساعت در خانه ظرف بشویم خسته نمی شوم. این ها را ساده نگیریم این ها نشانه است. همین که رانندگان زیاد بوق می زنند، نزاع خیابانی زیاد شده است و نظایر این ها همگی نشانه های خستگی و پیری سیستم است. داستان دقیقا این است که کاهش سرمایه اجتماعی و سازو کارهای اخلاقی موجب هرز روی انرژی می شود و سیستم زود پیر می شود، معضل ما این است که این اتفاقات همزمان در حال رخ دادن هستند.

سی جنوب
مقاله
شماره ۶۷۰ - یک شنبه ۱ مرداد ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

سفرنامه باقر خودرو قباکلکیانی به ابوشهر

اندر احوالات مولانا شیخ ابوالحجر، دکتر احمد دشتی

به تصحیح مهدی جهانبخشان



آن منشا عمران، آن برایش از ایزد تمنای غفران، آن محمود همگان، آن مشکور لسان آدمیان، آن نگهبان ساروج و شل و گچ وهر بنا از سنگی، رئیس کبیر میراث فرهنگی و گردشگری، آن آدم داش مشتی، مولانا شیخ ابوالحجر، دکتر احمد دشتی، بزرگ مردی بود اندر عمران یادگار پیشینیان، همو بود که بافت قدیم ابوشهر را از فرسودگی و آواره گی برهانید.

اهل گناوه بود و بسیار متنبسم و بسیار پاس می داشت مردم و رعایای خویش را. گناوه را به سه کس شناسند که سخت مشهورند، اول ابوسعید جنابه ای، دویم شمس الشعرا ایرج شمسی زاده و نیز همین مولای ما شیخ الحجر، مولانا احمد دشتی که به بزرگی مشهور است و کثرت قدر و منزلت.

نقل است که:اندر زمان حکمرانی او بر میراث فرهنگی وگردشگری، ابنیه و آثار را چنان مرمت می فرمود که هیچ گرد تخریب برآن نمی نشست. عمارت ملک را آن چنان تعمیر فرمود که چون ملک التجار از خواب گران ابدی برخاست، فرمود: این اابنیه زیبا از آن کیست؟ گفتند:از آن تو. تا چنین شد بی هش بگردید و بمرد بار دگر.

پس شیخ ما را ابوالعمران خواندندی در همه آفاق، کلیسای



گریگوری را نیز ساخت که دسته دسته سیاحان بر آنجا گذر می فرمودند و احسنتها بود که بر مولانا دشتی روانه می شد. کلیسای نوظهور را و سایر ابنیه همه و همه به قسمی تعمیر فرمود که نام مولانا دشتی را در تاریخ سربلند ساخت. ترسایان گروه گروه به این دیار می آمدند بهر دیدن مر زیارتگاهشان.

حکم فرمود آرامگاه شیخ حسین چاهکوتاهی و منوچهر آتشی را چنان به تعمیر بنشینند که بی نظیر جای گردد بهر سیاحان و ادب دوستان.

روایت است سالی چند کرور گردشیان و اهل ذوق بر آرامگاه منوچهر آتشی گرد هم آیند و دعا کنند مر شیخ احمد دشتی را.

روزی به مولانا شیخ ابول الکمندی که از ابوشهریان ادیب، خوش سخن بود و عمارتش را میراث فرهنگی ابتیاع فرموده بود خبر آوردند که:

ای کمندی بیتت از الوار پر
گشته آن ابنیه تو همچو در
شیشه ها رنگین و شاد و پر نگار
حیف کان خالی بود از یک نگار
اینهمه آبادی از الوار هست
جای دارد شادباشی و تو مست
این فقط از معجزات دشتی است
او که همچون ناخدای کشتی است

مولانا شیخ ابوالکمند شتابان سوی بارگاه دشتی شتافت و لیک، وقت ناشتا بود وشیخ دشتی و بعضی از رعایا به تناقل ناشتا اهتمام داشتند.

ابوالکمند خواست که داخل شود، دربان آن والا مقام با لهجه شیرین بفرمود: نمی تری بریا، ایسو گیر بخور بخور هسنا...

منقول از طوطیان الکن که (توضیح مصحح: این طوطیان بدلیل گنگی با بال و پر این حکایت را تعریف کرده اند) کنسول خانه انگلیس را مرمت فرمود به قسمی که از دور چشم خیره می گشت از ابنیه. گفتند: یا شیخ چرا این عمارت را بدین سان مرمت فرمودی؟ گفت: این نماد انگیریز لعنته الیه باشد و آنرامعمور ساختیم تا نسل کنونی دریابد که چه جانوری در این ابوشهر به غارت و استعمار اشتغال داشته. همگان او را تحسین کردند بدین درایت که داشت.

نقل است که از نوادگان کنسول انگلیس کسی بیامد تا ببیند که هنوز عمارت مرمت نگردیده و آبرویی از نیای غارتگر بر زمین نریخته، چون بنا را بدین سان دید که چشم را می نواخت از هول بمرد و نعش آن لعین را بدریا بیفکندند.

روایت است که:دکی جون (توضیح مصحح: این باقر خودرو انگار با مولانا دشتی تلیت ماس خورده که اینطور او را خطاب میکند. بابا دکترای تاریخش از دانشگاه تهران گرفته ... صدای باقر خودرو : به تو مربوط نیست که ما باهم تلیت ماس خوردیم ، تو تصحیح کن وغلط زیادی هم نکن)

فردی را از سرزمین الوار بیاورد (احتمالا کهکیلویه وبویر احمد) او را در سازمان رسمیت نمود و بر مسیر قرداد به خدمت اهتمام می ورزید (توضیح مصحح: یعنی طرف رسمی نبود و قراردادی بود) و بفرمودکه معاونش گردد.

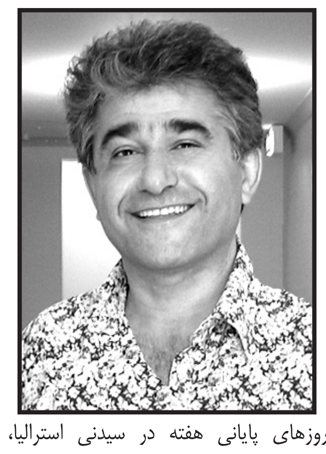
ابوالفضولی از او بپرسید: یا شیخ چرا فردی که بر مسند قرداد نشسته بر مسند معاونت می نشانی؟ مولای ما دکتر دشتی بفرمود:ایترم ایکنم ایخوام بفهمم فضول کیه؟ (توضیح مصحح: با توجه به ادب و متانتی که در دکتر سراغ هست ، بعید ایشان این جواب را داده باشد. شاید معاندان این جمله را در کتاب باقر خودرو جاسازی کرده اند و شاید دکتر از طرف مقامات بالا تحت فشار بوده که این کار را انجام دهد.)

نقل است که: حضرت عزراییل بر او ظاهر گشت تا مگر او را به نزد خود ببرد. شیخ دشتی بفرمود : از نزد ما برو که تخریبت فرمایم، همچو بافت قدیم ابوشهر. عزراییل بترسید و برفت وشیخ ما هنوز بعد از پانصد و اندی سال به ریاست ادامه می دهد...

ادب و هنر
شماره ۶۷۰ - یک شنبه ۱ مرداد ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

گلبانگ هنرایرانی در سیدنی استرالیا

دکترمحمود دهقانی



روزهای پایانی هفته در سیدنی استرالیا، سنگین تر از روزهای دیگر است. من بیشتر به نمایشگاه های هنری شهر می روم و با گشت و گذار در موزه ها و گالری ها، چند ساعت به تماشای کارهای هنری می پردازم. از این رو، دیروز به گالری "نیو آلبیون" در شماره ۵۵ خیابان "آکسفورد" در سیدنی رفتم. دو دوست فرهیخته از آموزش و پرورش و کتابخانه استرالیا و دوستی نیز از دوستداران دانشنامه "ایرانیکا" در "استرال آسیا" همراهم بودند. با استقبال هنرمندانه مدیر گالری آقای "آدم سیمس" فرصتی دست داد تا در نمایشگاه که کارهای هنری معاصر ایران را ازهنرمندان در برون و درون مرز برگزار کرده بود، گفتگوئی داشته باشم.

گالری " نیو آلبیون " سیدنی استرالیا با چندین گالری در سراسر شهرهای بزرگ و پول دار جهان، با داد و ستد کارهای هنری توانسته است دست به ابتکارات زیبائی بزند. این نمایشگاه با نمایشگاهای "ونکوور" کانادا، شهرهای اروپائی و همچنین شهر دبی در بیخ گوش شهرهای ایران و حتا تهران پیوند داد و ستد دارد.

کارهای هنرمندان در این نمایشگاه گویای برجستگی هنری آنان است که توانسته اند با هنر خود، برشی از نمای روزگار ایران کنونی و پیشینه دیر پای آن را بازتاب دهند. از هنر نبشته نگاری "کالیگرافی" تا نگارگری های نورپردازی شده و هنرهای الکترونیکی و هنر عکاسی از همه سو هنر این هنرمندان ایرانی را در زیر یک تاق به داوری بازدید کنندگان گذاشته است. در کارزارهای هنری، زنان ایرانی بیشتر از پیش با دیدگاه ژرف هنرمندانه گره ها و گرداب های فراروی فرهنگ دیر پای سرزمین خود را با ناوک قلم و هنر نشانه گرفته اند.

تابلوها و کارهای هنرمندان ایرانی درون و برون مرز، همچون فیلم های ایرانی توانسته است در نمایشگاه های شهرهای جهان جا باز کنند و نه تنها گالری ها بلکه سازمان یونیسف نیز به پیشواز کارهای هنرمندان ایرانی آمد. نمونه بارز آن یکی از کارهای هنرمند بزرگ ایرانی – فرانسوی محمود زنده بودی است که سازمان یونیسف آن را برای کارت فراخوان جلوگیری از فلج کودکان در چهار ده سال پیش برگزید و با پخش آن مردم جهان را به یاری کودکان افلیج فراخواند و آقای "تد ترنر" مدیر سرشناس رسانه "سی ان ان" نیز با کمک یک میلیارد دولاری به پی ریزی واکسیناسیون یونیسف برای کودکان جهان، همت گمارد و یونیسف با امیدواری گفت فلج کودکان در دو سال ریشه کن خواهد شد. از سوی دیگر خیلی از کارهای هنرمند بزرگ تبریزی آقای احد حسینی که کارهایش زینت بخش موزه آذربایجان در تبریز است، بویژه مجسمه موتالیزای او در پاریس و شهرهای دیگر اروپا نمایش داده شد و تماشاچیان به گونه ای شایسته به پیشواز آن آمدند.

چیزی که در ایران هنرمندان با آن سر و کار دارند، کمبود امنیت هنری است، به هر گونه ای برخی از مسئولان دولتی از کارهای هنری غیر دلخواه خود جلوگیری و با آنان ستیزه می کنند. از آنجا که هنر آئینه روزگار هنرمند است، هنرمندان ایرانی کارهایشان بازتاب روزگاری است که می بینند و در آن زندگی می کنند. آن گاه که با تنگ نظری مسئولان عرصه بر آن ها در خانه تنگ می شود، به میمنت چمبره الکترونیک، از در و پنجره ها همچون تیغ آفتاب خاور سر برون آورده و تابان می شوند.

کارهای هنرمندان ایرانی در نمایشگاه "نیو آلبیون" در سیدنی که از ۵ جولای تا ۴ آگوست ۲۰۱۲ میلادی برگزار است دارای ژرفنای اثرگذار هنری است و راستی را بخواهیم توصیف آن ها در سخنی کوتاه آسان نیست و باید از نزدیک این آثار خیره کننده را تماشا کرد تا دریافت که هنرمندان ایرانی و ایرانی تباران نیز سری در سرهای هنر امروز جهان دارند و در جهانی که هنر و فرهنگ کشورها چهار اسب می تازد، در رده ملت های ره گم کرده ای نیست که گروهی، چون نیک بنگری همه تزویر می کنند، می خواهند فرهنگ مردم این سرزمین چند هزار ساله را با کوته بینی خود به بازی بگیرند.

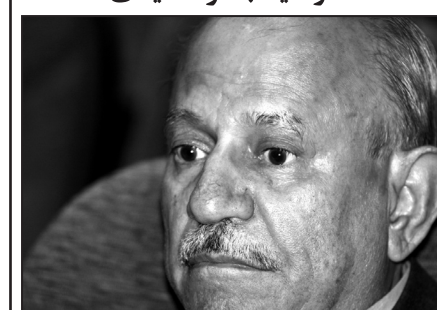
در این گزارش بسیار کوتاه نگاهی به کار هنرمندان خواهد شد اما در بر گیرنده همه گوشه های هنری کار این هنرمندان گران مایه نیست.

آقای علی ادجالی با هارمونی رنگ "نبشته نگاری" های بسیار زیبائی همچون قالی بی همتای خوش رنگ ایرانی به نمایش گذاشته است. کار بسیار زیبای چهار تکه نازگل انصاری نیا در کف نمایشگاه نیز دیدنی است. شیرین علی آبادی با روایت گری از زنان و دختران جوان امروز ایران و جهان دست به ابتکار زیبائی زده است. کارهای زیبای هاله انواری و سمیرا هدائی و شهرزاد چنگالوائی با درهم تنیدگی هنر، گویا تر ازهزاران برگ نوشته، از زن ایرانی امروز سخن به میان آورده است. بابک گلکار، متولد برکلی ایالات متحده از پرتو هنر تبار خود در کار هنرمندانه اش نه تنها در زادگاه خود امریکا، بلکه در گالری دبی نیز تاریخ را به تندار قالی بسته است. باربد گلشیری و بهنام کامرانی هر یک با دیدی جداگانه به گوشه های ژرف هنر پرداخته اند. عباس کوثری در کارهایی بکر، آموزش و کار زنان پلیس چادری در روزگار کنونی را به داوری گذاشته است. کارهای هنر الکترونیکی بهرنگ صمدزادگان و کار ویدیوئی جینوس تقی زاده نیز زیبا و برجسته است. کار هنرمندانه فریده شهسوارانی آنچنان ژرف است که چشم بازدیده کننده را میخکوب خود کرده و در تار و پود فرهنگ کهنسال ایرانزمین به کاوش وامی دارد.

ترانه‌های گرد و خاکی (۲)

هدیه دوستان و برادران عراقی

دکتر سیدجعفر حمیدی



رسیده ماهِ روزه، وای بر دل
که گرد و خاک سازد روزه باطل
دمی فکری کنید ای چاره جویان
والّا نیست اجر روزه، حاصل

***

ز کوی آشنا می‌آید این خاک
ز دشت نینوا می‌آید این خاک
ببین چشمِ خلایق اشکبار است
که چون تیرِ بلا می‌آید این خاک

***

دلا امشب، شبِ چشم‌انتظاری‌ست
که گَرد و خاک، مثل تیر کاری‌ست
به جای شبنم و بارانِ شَبگیر
زمانِ اشک و آهِ بی‌قَراری‌ست

***

مشو غمگین گر امشب ترسناک است
زمین دلگیر از این گَرد و خاک است
قلم را چاشنی ده از میِ عشق
دوای درد و محنت، عشقِ پاک است

***

هوا چرکین، بیا مهمان من است
شبی هم‌عهد و هم‌پیمانِ من باش
بیا در این شبِ چرکِ پُر از خاک
شریکِ لحظه‌ی خندان من باش

***

بیا دریادلم، دریادلی کن
به دریابار این دل، همدلی کن
به آبِ دل بشوی این گَرد و این خاک
فراموشِ این همه بی‌حاصلی کن

***

هواپیما نشست و خاک خوابید
درخت عشق در گلشن خرامید
نگاهت را بشوی از آبِ لبخند
که خورشیدِ جهان‌آرای، تابید

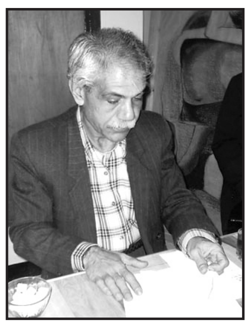
***

شبی آتش سرودم، دود برخاست
گلِ هستی درودم، دود برخاست
همه دود و سرود و آتش و درد
به بزم جان گشودم، دود برخاست

***

قوی‌دل باش، خاک آمد، خبرخوش!
هوای خوب و پاک آمد، خبرخوش!
همیشه رعد و برق و ابر و باران
کنون این دردناک آمد، خبرخوش!

تحول شعر در دوشنبه های ادبی نسیم جنوب



جلسه دوشنبه های ادبی نسیم جنوب در هفته گذشته در دفتر نسیم جنوب، با کلام استاد آرش نیا آغازشد که در خصوص مقررات تدوین شده جلسات و رعایت آن بود .

در ادامه جلسه نظر به اینکه در آستانه سالمرگ استاد احمد شاملو قرار داشتیم در رابطه با ایشان صحبت شد و زهرا رضایی طرهانی در خصوص ترجمه های احمد شاملو مقاله ای را ارائه دادند و استاد آرش نیا مطالبی را در ادامه اضافه نمودند .سپس در ادامه جلسه شعری از زهرا رضایی طرهانی به نقد گذاشته شد ودر رابطه با ساختار ومفاهیم شعر ایشان گفتگو شد.

استاد آرش نیا در راستای تحول شعر ابراز کردند که: شعر بنا بر حسب زمان و مکان نیاز به بررسی دارد، در مسیر شعر از نیما تا بعد، ارکانی در شعرها بوجود آمد که این افراد در طول زمان مختلف بودند شاعرانی چون اخوان ، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد ، شاملو وآتشی زبانهای خاص خود را داشتند و شاعرانی هستند که زبانشان تثبیت نشده و حتی معروف هم شده اند اما تنها شاعران ذکر شده ارکان شعر نیما هستند و شاملو آخرین زبان شعر معاصر است، بعد از سبک هندی اصفهانی، صاحب سبک نیستیم تا مشروطیت که شعر معاصر شکل می گیرد و از آنزمان تا شاملو شاعران فراوانی داریم، اما هیچکدام از سطح شاملو فراتر نرفتند و شعر ما چند سالی است که دور خودش می چرخد و بایستی امید به سبک نوی داشت که از زیر خاکستر بیرون آید.

در پایان حاضرین جلسه غمخوار- رضایی- زنده بودی و یوسفی به شعر خوانی پرداختند.

"خانه موسیقی محلی بوشهر" به زودی راه اندازی می شود

پس از جنجال آفرینی ها در مورد موسیقی محلی بوشهر و ممانعت از اجرای "گروه موسیقی لیان" به سرپرستی محسن شریفیان از سوی برخی مسئولان بوشهری و همچنین جلوگیری از اجرای این موسیقی بومی در تمامی مراسمات، نائب رئیس شورای شهر بوشهر از ادامه پیگیری اش در خصوص راه اندازی "خانه موسیقی محلی بوشهر" خبر داد.

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ حمیده ماحوزی اظهار داشت: شورای شهر و شهرداری بندر بوشهر باتوجه به آداب و رسوم و سنتهای مردم این منطقه و اهمیت به موسیقی محلی و آئینی، "خانه موسیقی محلی بوشهر" را راه اندازی خواهند کرد و مقدمات کار را نیز فراهم کرده ایم که تا چند ماه آینده با همکاری موسیقی دانان و پیشکسوتان این عرصه انشاالله این اتفاق مثبت فرهنگی رخ خواهد داد.

وی در گفتگو با خبرنگار پایگاه خبری بُنا، ضمن انتقاد از برخی تحرکات برای حذف این موسیقی ریشه دار، گفت: کمتر کسی است که با شروه خوانی، مثنوی خوانی، خیام خوانی، نوحه خوانی بوشهری و نی انبان و نی جفتی بوشهری بخصوص آقای شریفیان آشنائی نداشته باشد. جای بسی تأسف است که آقای شریفیان برای اجرا در استان بوشهر دچار مشکل شده، این در حالی است که ایشان می تواند براحتی مجوز اجرا در تهران و خارج از کشور را بگیرد.

وی با تشریح تاریخچه موسیقی محلی بوشهر اظهار داشت: موسیقی محلی در هر منطقه برگرفته از سنتها و آداب و رسوم و بطور کلی فرهنگ آن منطقه است که ما را با گذشتگان پیوند می دهد.

وی افزود: موسیقی محلی بوشهر یکی از غنی ترین و با ارزش ترین موسیقی های محلی و بین المللی است و دارای شناسنامه فرهنگی با ارزشی است که گویای تلاشها، رنجها و شادیهای مردم این منطقه است.لذا کسی نمی تواند براحتی آن را از صحنه زندگی مردم خارج کند.

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تأکید کرد: این موسیقی با زندگی مردم این دیار گره خورده، و مسئولان فرهنگی استان باید امانتدار مردم باشند، بنابراین اگر ایرادی در شکل کار وجود دارد آن را حل نمایند، نه اینکه تمام تلاش خود را برای پاک کردن صورت مسئله به کار گیرند و سپس در برابر رسانه ها و افکار عمومی سکوت اختیار کنند.

ممنوعیت موسیقی محلی در بوشهر، توهین به فرهنگ بوشهر

نوذر سعادت پور : مدتی است چهره هنری شهرمان بوشهر، ظاهری سرد و بی روح به خود گرفته و گویی موج های پر طلاتم دریا دیگر با جوش و خروش هنر در این دیار بیگانه اند. متاسفانه شاهد اتفاقات بسیار ناخوشایند در زمینه هنر و موسیقی این دیارهستیم، از کنسل شدن مکرر کنسرتها تا ممنوع الاجرا شدن گروههای برجسته موسیقی استان و یا لغو مجوز اجرای موسیقی در استان که همه و همه باعث نگرانی و عدم انگیزه در هنرمندان و توهین به جامعه هنری و پایین آمدن نشاط اجتماعی گردیده است. به راستی دلیل این مخالفت ها چیست؟ و به چه هدفی انجام می گیرد؟ مگر می شود تاریخ چند هزار ساله یک فرهنگ را نادیده گرفت؟ یا به خاطر سلایق شخصی بعضی افراد به فرهنگ یک دیار توهین نمود. از همه مهمتر نقش مسئولین هنری شهر از جمله مدیرکل ارشاد بوشهر در این فاجعه بزرگ فرهنگی چیست؟ و چه اقدامی جز همسو شدن انجام داده اند!

در دهه اخیر موسیقی بوشهر در ۵۳ کشور یعنی یک سوم جهان توسط هنرمندان بوشهری به اجرا درآمده که همگی هنرمندان با اصالت در راه اشاعه ی فرهنگ این دیار از جان و دل مایه گذاشته اند و افتخار آفرینی نموده اند. مگر می توان به بزرگی و شان این هنرمندان توهین نمود؟

اگر از دریچه ی دیگر به موضوع بنگریم خواهیم دید بزرگترین اهداف دشمن سرکوب فرهنگ خودی و جایگزینی فرهنگ بیگانه به جای آن است. اگر قدری تاریخ را ورق بزنیم خواهیم دید در گذشته هرگاه قرار می شد فرهنگ ملتی را از بین ببرند اولین چیزی را که مورد هجوم قرار می دادند فرهنگ و موسیقی بومی آن منطقه بود چرا که موسیقی بومی هر منطقه معرف آداب، سنن، دلیرمردی و شیرزنی و اتفاقات بزرگ و حماسی آن دیار بوده است. پس موسیقی بومی هر منطقه آینه فرهنگی آن دیار به شمار می رود. جای بسیار تاسف است که اصالت و رسالت خود را فراموش کرده ایم و این چنین ناخواسته در جهت اهداف دشمن گام بر می داریم. مخالفت با فرهنگ و هنر و باورهای مردم و بی اعتنایی به ارزش های آنان جز نفاق و عدم همبستگی چیزی را به همراه نخواهد داشت.

امیدوارم مسئولینی که چنین نامدبرانه و ناآگاه کاسه داغ تر از آش شده اند به زودی متوجه اشتباه خود شوند و بدانند با مخالفت های بی پایه و غیر اصولی می توان به یک فرهنگ توهین نمود ولی نمی توان تاریخ وارزشهای آن فرهنگ را تغییر داد. در پایان امیدوارم مسئولین هنری شهرمان هم قدری به خود بیایند وهم گام با هنرمندان به رفع این مشکل بپردازند وفراموش نکنند بزرگترین مسئولیتشان حفظ و ترویج فرهنگ ناب ایرانی می باشد.



ممنوعیت در بوشهر، اجرا در تهران
اجرای گروه موسیقی محسن شریفیان در حضور وزیر ارشاد





در حالی که مدیرکل ارشاد بوشهر از اجرای موسیقی محلی مروارید لیان به سرپرستی محسن شریفیان در بوشهر جلوگیری می کند و فشارهای برخی از مدیران دولتی و گروه فشار را دلیل این این تصمیم خود می داند، گروه موسیقی لیان بوشهر در آیین اختتامیه اکسپو ۹۱ به اجرا پرداخت. این آئین دوشنبه شب هفته گذشته با حضور سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حمید شاه آبادی معاون امور هنری، سید علیرضا حسینی دبیر شورای سیاستگذاری اکسپو و جمعی از هنرمندان و هنردوستان درتالار وحدت برگزار شد.

دوگانگی تصمیم مسئولان ارشاد در اداره ارشاد بوشهر و وزارتخانه ارشاد، نشان میدهد که تصمیمات سلیقه ای مدیران ارشاد بوشهر باعث تضییع حقوق هنرمندان موسیقی محلی بوشهر شده و مردم را از شنیدن موسیقی که دوست دارند، محروم کرده است.

تندیس "دنا" در دست عکاس جوان جم

عکاس جوان جم موفق به کسب مقام نخست ۴۸مین جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان – دنا – در بخش عکس شد. به گزارش خبرنگار «چگاسه»: بر اساس اعلام هیئت داوران بخش عکس این جشنواره حیدر هدایتی موفق شد با ارائه عکس "پیرامون" به مقام نخست دست پیدا کند. در بخشی از بیانیه هیئت داوران بخش عکس جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان آمده است: هیأت داوران تحرکی را که در عکس های این دوره از جشنواره مشاهده می کند، به فال نیک می گیرد. نشانه های این حرکت را در عکس های این دوره می توان شاهد بود. افشین شاهرودی، اسماعیل عباسی و علیرضا کریمی صارمی، هیئت داوران بخش عکس را تشکیل می‌دادند.

همچنین در بخش فیلم نیز فیلم مستندی از سازه های آبی شهرستان جم با عنوان " مانده مقداری سنگ ، چند کیلو ساروج" به کارگردانی مرتضی قائد پوری در بخش تحقیق و پژوهش موفق به دریافت تندیس و هدیه نقدی این جشنواره شد.

موفقیت کارگردان بوشهری در جشنواره سینمای جوان

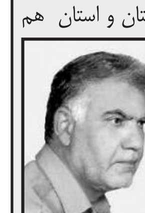
روابط عمومی صداوسیمای مرکز بوشهر گزارش داد: مرتضی قائد پوری تهیه کننده و کارگردان برنامه های تلویزیونی سیمای مرکز بوشهر در چهل و هشتمین جشنواره منطقه ای سینمای جوان کشور که در یاسوج با حضور ۱۲ استان کشور برگزار شد، توانست در بین ۱۰۹اثر رسیده، توانست به بخش مسابقه راه یافته و تندیس بهترین پژوهش و تحقیق و نویسندگی را برای مستند "مانده مقداری سنگ و چند کیلو ساروج" کسب کند. این مستند در ۳۵ دقیقه به معرفی سازه های باستانی قناتها و سدهای باستانی استان می پردازد که در سال های ۹۰/۹۱ ساخته شده و تهیه کنندگی و کارگردانی –نویسندگی و پژوهش این کار توسط قائد پوری صورت گرفته است.

چشم هایم رفیق نیمه راه شدند

سید محمد رضا هاشمی زاده

قابل توجه دوستان عزیزو بزرگوارم

پس ازعدم نتیجه گیری دربوشهربرای ادامه درمان ورفع مشکل چشم هایم عازم شیراز شدم. به امید حق، ودعای خیرتان. بدون شک چشم هایم بخاطرسی چهل سال خدمات شبانه روزی علمی، ادبی و فرهنگی جهت اعتلای این مرزو بوم به این حال و روز افتاده اند، هرچند شفا را از خدا می خواهم، اما ایکاش در قبال یک عمر ایثارگری و خدمت مسئولین اجرایی وفرهنگی شهرستان و استان هم توجهی و...همتی... تا چشم هایم...



هوا ابری، ولی مبهم نمی دید
غم دور وبرش را کم نمی دید
و حالا روز روشن شاعر ما
خودش حتی خودش را هم نمی دید

"گنجینه خلیج فارس"، برنامه موفق رادیو بوشهر



گنجینه خلیج فارس به توانمندی ها و داشته های فرهنگی، تاریخی و اقتصادی استان می پردازد. نگاه به گذشته استان بوشهر و بررسی وضعیت و ترسیم افقی که پیش روی استان بوشهر می باشد از اولویت های این برنامه می باشد.

معرفی مشاهیر استان بوشهر، معرفی کتابهای نویسندگان بوشهری و آثار ایشان، پرداختن به ریشه های فرهنگ بومی، نظیر ضرب المثل ها و واژگان و اصطلاحات محلی، موسیقی مقامی استان بوشهر، حرفه ها و مشاغل سنتی و ادبیات بومی استان از مواردی است که در برنامه گنجینه خلیج فارس مطرح می گردد. این برنامه با ساختار کلامی، پیامی، روایی به صورت روتین هر روز از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۴ و تکرار آن در ساعت ۲۲:۱۵ از شبکه استانی صدای بوشهر پخش می شود. تهیه کننده و گوینده : شاهین بهرام نژاد. / گزارشگران:فرزانه رضایی – پیمان زنده بودی – نگین کتویی زاده – مسعود نوری فیروزی. / دستیار تهیه: محمد مهدی محمدیان. صدابرداران: حسین جوکاری – محمد خلیل روانان.

خلبوس

نان نخواستیم، نمکدان را نشکن!

عباس معتمد

" نانی در بوشهر خوردم که حیوان هم نمی خورد"
به گمان شما این جمله از کیست؟!
اما قبلا از اینکه گوینده را پیدا کنیم این را هم بخوانید:
" برخی سایت های بوشهر بی پدر و مادر هستند!"
نمی دانم که چه تصوری از شخصیت گوینده این جملات در ذهن پیدا کرده اید و بی رودربایستی حال و حوصله ی این را هم ندارم که گزینه های محتمل را یکی یکی با هم بررسی کنیم. به همین خاطر یک راست میروم سر اصل مطلب و معرفی گوینده: این سخنان شگفت انگیز از گوشه هایی بود از ادبیات منحصر بفرد استاندار بوشهر، یعنی جناب آقای جهانبخش!

جمله ی اول مربوط است به اولین دیدار مطبوعاتی ایشان با اصحاب رسانه که با بیان این جمله ی غرّا همه را به شگفتی واداشت. نه تنها از نوع بیان غافلگیر کننده که از بزرگی وعده ای که پس از این سخن جنجالی داد. جناب استاندار در همان جلسه فرموده بودند: "اگر هیچ کاری در بوشهر نکنم - که اینطوری نخواهد بود - نانوایی ها را به راه خواهم آورد تا مردم نان با کیفیت خورده و بگویند خدا پدر نانوا و مسولین را بیامرزد".

اما دیر زمانی گذشت و کیفیت نان همان ماند که بود. استاندار هم در پاسخ مردمی که منتظر دیدن نان در خور شان انسان! - طبق وعده خودش - بودند و شاکی از خلف وعده ی استاندار لب به گلایه گشوده بودند، با این دستور مواجه شدند: «مردم بوشهر نان بی کیفیت را بر سر نانوا و شاطر بکوبند!»

قصه به همین جا ختم نشد و در خرداد ماهی که گذشت، قیمت نان ۳۰ درصد افزایش یافت اما باز نان همان نان بود که بود!

و در اینجا بود که جناب استاندار در واکنش به انتقادات صورت گرفته از این ماجرا، در حضور فرماندار و نماینده و رییس شورای شهر بوشهر جمله ی تاریخی دوم را بیان فرمودند. جمله ای که با گذشت چند هفته هنوز هم هر شنونده ای را انگشت به دهان می کند!

سوالی که برایم پیش آمده این است که اینگونه سخن گفتن آن هم برای مسئولی در چنین سطح، تاسف برانگیز نیست؟

یعنی جناب استاندار اطلاع ندارد که برای سرزمینی که حافظ و سعدی و فردوسی و خواجه نظام الملک و خواجه نصیر و قائم مقام و امیرکبیر و ... دارد، فاجعه است که استاندارش اینگونه سخن بگوید؟

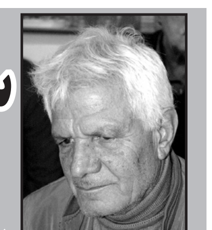
ایشان خبر ندارد که هنوز شفیعی کدکنی ها و اسلامی ندوشن ها و باستانی پاریزی ها و دینانی ها و ... - که آیینه تمام قد معرفت و حکمت و بزرگی هستند و عمرشان دراز باد - زنده اند و برای سرزمینی که چنین بزرگانی در آن نفس می کشند چنین سخن گفتنی، مصیبت است؟

حداقل کاش در کنار چنین سخنانی از چیزهای دیگری هم می گفت. کاش توضیح می داد چرا وقتی که قیمت سرسام آور زمین و مسکن - که در سرکشی حتی گوی سبقت را از پایتخت هم ربوده - نفس مردم بوشهر را بند آورده و خانه دار شدن را برای این مردم به آرزویی دور و دست نیافتنی تبدیل کرده، با بی خیالی از کنار مصوباتی نظیر مصوبه مجلس مبنی بر خروج پایگاه های نظامی از شهر و مصوبه دولت مبنی بر خروج فرودگاه از بوشهر گذشت و برای برداشتن بار مسولیت از دوش خود فرمود که این مصوبات تا بیست سال آینده هم عملی نیست!

کاش اشاره میکرد که وقتی سهمیه ۵۰ درصدی بوشهر برای استخدام در پارس جنوبی - که اولیه ترین حق و سهم مردم این دیار از خوان گسترده همچنین نعمتی است - را به تاراج بردند، چه کاری کرد؟!

کاش پاسخ میدادند درجواب جاشوان و ملوانانی که - در برابر مصوبه غیر مسولانه محدودیت ته لنجی - به حق لب به اعتراض گشوده بودند و شکایتشان را نزد وی برده بودند، چه کاری انجام داده و بر اساس چه مبنایی این قشر مظلوم را تهدید به برخورد انتظامی کرده؟! کاش میگفت که در دوره ی تصدیش چه بر کشاورزی استان گذشت و عملکردش در این رابطه چه بود؟ کاش ایشان که دو سال مهمان مردم بوشهر بودند حداقل حرمت میزبان را نگاه میداشت و اینگونه در حقشان جفا نمی کرد!

جناب استاندار! ما نان تان را نخواستیم ای کاش حرمت نمک را نگه می داشتی!



سرمایه گذاری های خارجی پنهان شده و استاندار بوشهر

ناصر علیخواه

استاندار بوشهر در آخرین شورای اداری فرموده اند که «استان بوشهر رتبه نخست جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را داراست».

بیان این سخنان از سوی جهانبخش استانداری که هر روز خبر تغییر قریب الوقوع وی به گوش می رسد و عملکرد او این روزها به شدت از سوی رسانه های استان بوشهر بدلیل عدم اجرایی شدن مصوبات سفرهای دولت زیر سوال رفته است، به نوعی دفاع از عملکرد و مدیریت خود است. اما درباره این مطلب استاندار بوشهر، که در صورت درست بودن می تواند افتخاری برای مدیریت وی باشد، چندین سوال را می توان پرسید که امیدواریم استاندار بوشهر به آنها پاسخ دهد:

۱- از آنجا که حجم سرمایه گذاری خارجی در سالهای گذشته در کشور به طور شفاف و مشخص اعلام نشده و شاید هم در نزد خود مسئولان نیز بدرستی معلوم نباشد، آقای استاندار بفرمایند که حجم سرمایه گذاری در کل کشور چقدر بوده و به تفکیک استانهای کشور چگونه بوده و سهم استان بوشهر از این سرمایه گذاری های خارجی چقدر است؟

۲-اقتصاددانان بین سرمایه گذاری های داخلی و خارجی با افزایش سطح رفاه اجتماعی زندگی مردم منطقه سرمایه گذاری شده، رابطه مستقیمی می بینند. یعنی هر چقدر که حجم سرمایه گذاری در منطقه ای همانند استان بوشهر بالاتر رود، شغل های بیشتری ایجاد شده و فعالیتهای اقتصادی بزرگتری انجام می شود و همچنین خدمات بیشتری ارائه می شود که همگی اینها بر روی سطح زندگی مردم و فعالیتهای اقتصادی و خدماتی اثرات مستقیمی دارند. اگر سخن استاندار بوشهر را بپذیریم که «استان بوشهر رتبه نخست جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را داراست»، پس چرا این حجم بالای سرمایه گذاری در بالا رفتن سطح زندگی مردم استان بوشهر نه تنها دیده نمی شود که سطح زندگی مردم اینجا روز به روز پایین تر می آید؟ چرا هر روز شاهد تعطیلی فعالیتهای صنعتی در استان بوشهر هستیم و کشاورزی آن دچار مشکل است و چرا فعالیتهای خدماتی آن مقرون به صرفه نبوده و هر روز بدهکارتر از دیروزند؟

۳- اگر سخن استاندار بوشهر را بپذیریم که «استان بوشهر رتبه نخست جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را داراست»، آقای جهانبخش بفرمایند که این سرمایه های خارجی در کدام شهرستانهای استان بوشهر و در کدام کارخانجات و امور زیر بنایی برق و آب و گاز مربوط به استان بوشهر صورت گرفته که مردم بوشهر نه اثری از این کارخانه های خارجی در سطح استان بوشهر می بینند و نه خبری از مشارکت سرمایه داران خارجی در طرحهای اقتصادی و کشاورزی استان بوشهر در مطبوعات می خوانند و نه خودشان و یا پسرشان و یا همسایه و آشنا و یا اقوامشان در یکی از این طرحهای سرمایه گذاری شده در شهرستانهای استان بوشهر مشغول به کار هستند. آقای استاندار بفرمایند که پس این سرمایه گذاری های خارجی چه نفعی برای مردم بوشهر داشته اند؟

۴- اما نکته ای که به ذهن اینجانب درباره ادعای استاندار بوشهر مبنی بر این که «استان بوشهر رتبه نخست جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را داراست»، رسید این بود که احتمالا بدلیل قرار گرفتن پارس جنوبی در استان بوشهر و میادین عظیم نفت و گاز در پارس جنوبی، استاندار بوشهر سعی نموده است که حجم میلیاردی سرمایه گذاری های خارجی در پارس جنوبی را به مدیریت خود در استان بوشهر ربط دهد. البته مشکل است که استاندار بوشهر از این منظر این سخن را گفته باشد و منظورش سرمایه گذاری های خارجی در پارس جنوبی باشد، برای اینکه مردگان هم این روزها می دانند



سرمایه گذاری های خارجی در پارس جنوبی هیچ ربطی به مدیریت استان بوشهر نداشته و شامل سرمایه گذاری های کلان کشوری بوده که درون بخش نفت و گاز صورت می گیرد و نه تنها استاندار بوشهرکه حتا بسیاری از وزرا هم به داخل جلسات با این سرمایه گذاران راه هم نمی دهند

که سرمایه گذاری های خارجی در پارس جنوبی هیچ ربطی به مدیریت استان بوشهر نداشته و شامل سرمایه گذاری های کلان کشوری بوده که درون بخش نفت و گاز که مهمترین و اصلی ترین منبع درآمدی کشور است، صورت می گیرد و نه تنها استاندار بوشهرکه حتا بسیاری از وزرا هم به داخل جلسات با این سرمایه گذاران راه هم نمی دهند، بنابراین منظور کردن این سرمایه گذاری های کلان و کشور در مقیاس استانی و بعد افتخار نمودن به اینکه استان بوشهر رتبه اول جذب سرمایه گذاری خارجی در کشور را داراست، نه تنها دردی را از مردم بوشهر دور نمی کند که حتا باعث تعجب مسئولان وزارت نفت و گاز هم می شود. مثل اینکه استاندار مازندران در مقابل انتقادات مخالفانش با افتخار بگوید که بالاترین میزان بارندگی را در دوران مدیریت من در استان مازندران داشته ایم و یا مخالفان استاندار کرمان، مدیریت ایشان را به دلیل کمترین میزان بارندگی در این استان نشانه ضعف مدیریت ایشان ببینند.

منظورم این است که حجم سرمایه گذاری خارجی در پارس جنوبی هیچ ربطی به استان بوشهر و استاندار و نمایندگان آن ندارد که بخواهند آن را نشانه موفق بودن مدیریت و نمایندگی خود بدانند، برای اینکه قبل از آقای جهانبخش و در دوره استانداران قبلی هم بیشترین سرمایه گذاری خارجی در پارس جنوبی انجام می گرفته و از دوران ریاست جمهوری خاتمی که پارس جنوبی به طور جدی مورد توجه قرار گرفت و از یادگاران ارزشمند و تاریخی ایشان در عرصه اقتصادی کشور است، تا کنون همه ساله بیشترین حجم سرمایه گذاری خارجی کشور در پارس جنوبی انجام می شود. بنابراین ادعای استاندار بوشهر مبنی بر اینکه «استان بوشهر رتبه نخست جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را داراست»، هیچ ربطی به مدیریت ایشان و فعالیت نمایندگان مجلس و عملکرد مدیران استان بوشهر ندارد.

۵- استان بوشهر دارای بدنه کارشناسی قوی در بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و از استاندار بوشهر خواهشمندیم که در سخنان خود دقت بیشتری فرمایند و متوجه باشند که در چه فضا و استانی، سخنان خود را بر زبان می آورند. حتما کارشناسان و دانشگاهیان استان بوشهر متوجه درستی و نادرستی سخنان ایشان هستند و به نظرم اگر هم درباره سخنان نادرست ایشان، چیزی بر زبان نمی آورند و یا مطلبی نمی نویسند از باب احترام به میهمان است چرا که می دانند آقای جهانبخش چند روزی میهمان آنهاست و ممکن است همانطور که آقای شفقت (استاندار سابق بوشهر)، در هنگام استانداری خراسان جنوبی، در وسط جلسه اداری، دچار شوک شد و بدون اطلاع، از منصب شیرین استانداری برکنار شد، ایشان نیز در یکی از همین جلسات، کنار گذاشته شده و از بوشهر برود و احتمال دارد تا آخر عمر هم گذرش به بوشهر نیفتد.

حمایت علم و فناوری خلیج فارس بوشهر از ۷۰ شرکت

رئیس پارک علم و فناوری خلیج فارس بوشهر گفت: تاکنون ۷۰ شرکت فناوری تحت حمایت پارک علم و فناوری بوشهر قرار گرفتند. دکتر مهدی محمدی در نشست با مدیرکل فنی و حرفه‌ای استان بوشهر به تاسیس فازهای جدید دهکده دانایی در کنار مجتمع نیایش اشاره کرد و ادامه داد: با توجه به رویکرد کارگاه‌ها و دانشگاه‌ها و موافقت استانداری بوشهر مقرر شده است که در این دهکده محوطه‌ای اختصاصی برای دانشگاه‌ها تهیه شود تا همه دانشگاه‌ها در این مکان استقرار یابند و یک مجتمع ثابت باشند. وی تعداد مراکز رشد استان‌ها را سه مرکز اعلام کرد و بیان داشت: با رویکرد این کارگاه‌ها آمادگی خود را برای تاسیس کارگاه‌های جدید اعلام می‌کنیم.

محمدی مهم‌ترین موضوع پارک‌های علم و فناوری را تعامل با دانشگاه دانست و بیان کرد: بدون تعامل با دانشگاه‌ها کارگاه‌های علم و فناوری بدون ظرفیت هستند.منبع:مهر

فرمانده انتظامی استان بوشهر:

از شنای مختلط مردان و زنان در ساحل جلوگیری کردیم

فرمانده انتظامی استان بوشهر با اشاره به شنای مختلط برخی مردان و زنان در برخی سواحل بوشهر گفت: بیش از این ۱۰ سال بود چنین وضعیتی را شاهد بودیم اما ساماندهی نشده بود ولی در این یکماه با اقدامات صورت گرفته از انجام چنین اتفاقی جلوگیری کردیم و شاهد چنین اتفاقی در مکان‌هایی که قبلا شنای مختلط صورت می‌گرفت نیستیم.

عباس‌زاده تاکید کرد: یکی از مطالبات بسیاری از متدینین و مردم بوشهر این بود که از شنای مختلط جلوگیری شود و با اقدامات صورت گرفته چنین اقدامی انجام شد.

وی ادامه داد: با افزایش نیروهای پلیس در سواحلی که شنای مختلط صورت می‌گرفت از این اقدام جلوگیری کردیم.

فرمانده انتظامی بوشهر بیان کرد: هر چند مردم هم توقعات به حقی در مورد استفاده از دریا دارند و استفاده از آب دریا برای درمان برخی بیماری‌های مفصلی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد اما در کل شنای مختلط در ساحل منطقی و پذیرفتنی نیست.

عباس‌زاده گفت: در همین راستا پیگیری‌های زیادی با شهرداری و استانداری برای احداث پلاژ جدید بانوان در بوشهر انجام دادیم که امیدوارم به نتیجه مطلوب منجر شود.

به گزارش فارس، وی افزود: در یک‌ماه گذشته به اندازه ۱۰ سال گذشته افراد بدحجابی را به پلیس معرفی کردیم و برخوردهای لازم با آنان صورت گرفته، اما متاسفانه خانواده‌های در این زمینه همکاری مطلوبی با نیروی انتظامی ندارند.

نقدی برکتاب «بوشهر دروازه تجاری ایران در خلیج فارس» از دانشنامه استان بوشهر(۲)

بدعت گذاری در دانشنامه بوشهر



محمد محبوبی

بخش : نگاهی انسان شناسانه به تحولات اقتصادی بوشهر ، دروازه ی تجاری ایران در خلیج فارس
نقد و بررسی اجمالی مقاله دکتر ویلم فلور / سید قاسم یا حسینی / کنفرانس شارجه ۱۶ تا ۲۰ مارس ۲۰۰۹

صفحه ۶۵ کتاب: در این بخش که مطالب آن ازصفحه ۶۷ آغاز و در صفحه ۷۰ به پایان می رسد ، پژوهشگر مجموعه ، جناب یا حسینی ، جهان بینی و نظرات به اصطلاح نقادی خود را در ۹ پاراگراف به گونه ای تنظیم کرده اند که هیچ یک از مطالب مطرح شده را نمی توان به عنوان نقدی بر مقاله دکتر فلور پذیرفت. نظرات پژوهشگر را می توان چنین باور داشت که خواسته ها و اضافاتی است که پژوهشگر اعلام تمایل کرده اند تا پژوهش از جانب دکتر فلور از این منظر به انجام می رسید. لذا هیچ یک از پاراگراف ها ، هیچ موضوعی، تاریخی، اسنادی، عدد و ارقامی از مقاله دکتر فلور را نقد نکرده تا با ارائه مستندات قابل اتکاء به آن بپردازد. مشارالیه ، تنها از روش تحقیق دکترفلور ایراد گرفته اند و نه از محتوای مقاله . قابل ذکر است که در حوزه پژوهش انتخاب روش با نویسنده است ، آنهم نسبت به تخصص خویش ؛ فلذا محقق در روش آزاد است. جهت اثبات مدعای خود و به عنوان نمونه به مباحث کلیدی تعدادی از پاراگرافها اشاره کرده توضیحات لازم را خواهم آورد . (با این کار ؛ دانشنامه زیر هزران علامت سئوال قرار گرفته است)

پاراگراف اوّل : ص۶۷ : در این پاراگراف نظر پژوهشگر چنین آمده است که ؛ «مقاله تا اندازه زیادی یک نگاه صرفاً اکونومیستی، کمیت گرایانه و آماری است و شاید از منظر تئوریک این بزرگترین ضعف مقاله دکتر فلور نیز باشد . به باور من ، فلور می توانست با نگاه انسان شناسی فرهنگی و اقتصادسیاسی به تاریخ تجارت بوشهر در عصر قاجار بپردازد و موضوع را از این زاویه نیز بررسی و تحلیل کند .»

پاسخ منتقد : در قسمت اول ؛ پژوهشگر تنها توضیحی در زمینه مقاله دکتر فلور بیان داشته اند و این که رویکرد دکتر فلور در مقاله ، اقتصادی ،کمیت گرایانه و آماری است ، اما نقدی برموضوع نداشته اند. در این راستا هر خواننده ای که به مطالعه مقاله بپردازد، خود به موضوع واقف خواهد گردید . فلذا بیان پژوهشگر، نقدی بر اصل مقاله نیست . دکتر فلور چون به تجارت بوشهر نظر انداخته ، طبیعی است که بعد اقتصادی و آماری جزء لاینفک اصلی مقاله ایشان باشد . پس جناب یاحسینی ، بیس اصلی مقاله را به نقد نکشیده اند و فقط به بیان توضیح مقاله پرداخته اند . و امّا ؛ آنجا که از باور خود تکیه گاه امنی برخویشتن خویش ساخته اند و خواستار آن شدند تا دکتر فلور ، با نگاهی انسان شناسی فرهنگی و اقتصاد سیاسی به تاریخ تجارت در بوشهر بنگرند ، این نیز نقدی برموضوع نیست و منحصراً روشی است که در ذهنیت و خاستگاه جناب یاحسینی است و نه در تفکر و اندیشه دکتر فلور . آقای یاحسینی!! نظرگاه شما بطور کلی در متن و بحث مقاله کاملاً مستتر است و جای تأسف و تعجب است که چگونه آنها را نیافته اید. مع ذالک هیچ نقدی بر مقاله نداشته اید. حتی به سمت روش گرائی نقد هم گامی برنداشته اید .

پاراگراف دوم از ص۶۷ تا پایان ص۷۰ : متاسفانه ، جناب یاحسینی در این بخش از کتاب ، به اصطلاح خود نقدی برمقاله دکتر فلور که پیکره اصلی دانشنامه ی استان بوشهر را تشکیل می دهد ، بصورت زیر آورده است که: «بوشهر در عصر قاجار ، به لحاظ قوم شناسی ، شهر و بندری مهاجر پذیر و آمیخته ای از اقوام ، ادیان و خرده فرهنگهای مختلف و متفاوت بود و... »

پاسخ منتقد : جناب یاحسینی! اولاً ؛ قیاس شما در این مورد قیاسی است مع الفارق. در ثانی ؛ توضیحات شما ، خارج از موضوع مقاله دکتر فلور و از جهتی به دور از مطالب یک دانشنامه است . زیرا دانشنامه بر مخاطب دانش افزایی دارد ، نه نقد آموزی و سفر نامه نویسی و روش دوست یابی ، که در این وادی و تازه ، بیان شما نقدی بر هیچ گوشه ای از مقاله نیست ،چرا که گویا خود شما نیز مقاله را خوب نفهمیده اید ، زیرا اگر چنین تفهیمی در شما صورت می پذیرفت و محتوای یک دانشنامه را می دانستید ، هیچگاه مقاله و نقد آن را هم زمان دریک مجلد و با عنوان دانشنامه یک استان منظور نمی کردید. برادرعزیز! انصافاً ؛ یک مقاله ای که از خود شما نیست آنهم فقط در یک حوزه از بوشهر سخن دارد، دانشنامه تعریف می شود؟ از طرفی ، محتوا و نظرگاه دکتر فلور در مقاله، تجارت بوشهر است و صلاح ندانسته اند که بر قوم شناسی و مهاجر پذیری اقوام و ادیان بطور مستقیم و به وضوح بپردازند . فلذا؛ در اینجا نظر شما بر ضعف فرهنگ بکر و بومی بوشهر ، مطلبی کاملاً نارواست.

اگر توهین به اصالت مردم قدیم بوشهر را دانشنامه استان آنها بخوانیم ، باید در مصیبتِ بر قلم شما مویه کنان اشکها ریخته شود . در این راستا ؛ اولاً : آنچه ما از کتب معتبر قدیم و جدید خوانده ایم و هر آنچه از بزرگان و صاحب نظران بوشهری و بوشهرشناسان شنیده ایم ، مردم بوشهر از قدیم تا به امروز ، نه در دین تغییر و بدعت و نوآوری داشته اند و نه در فرهنگ بکر خود ، لذا این نظر شما جفائی است بر پیشینه و اصالت فرهنگ بومی بوشهر. حال پذیرش برخی پدیده های مدرن و مدرنیسم در زندگی اجتماعی نسل جدید موضوعی است اجتناب ناپذیر . ثانیاً : لازم است به سمع و نظرتان رسیده شود که مردم بوشهر ، همین امروز و در حال حاضر که در عصر تکنولوژی و دهکده جهانی و انفجار اطلاعات و استفاده از فن آوری های نوین بشری قرن بیست و یکم قرار دارند نیز مهاجر پذیرند و فرهنگ ها و اقوام و مذاهب تحت پوشش قانون اساسی کشور را بدون منّت و ایجاد تنش بر آنها پذیرا هستند . مهاجرین یا غیربومی ها در مراودات و زندگی مسالمت آمیز در کنار مردم بوشهر مشکلی ندارند. با این اوصاف، سالهاست که بوشهریها ، با جدیت و تعصب فراوان از فرهنگ بکر و اصیل بوشهری حراست می کنند .

در ادامه و در صفحه ۶۸ پاراگراف پنجم؛ نقد و نقص بر مقاله دکتر فلور را خارج از موضوع مقاله چنین آورده اید که «بوشهر در عصر قاجار دروازه اصلی ورود مدرنیسم و مدرنیته از هندوستان به جنوب ایران بود و مرکز رزیدنسی بریتانیا». وسرانجام اشاره ای به اشغال نظامی بوشهر توسط بریتانیا نموده اید. قابل ذکر است که هیچ یک از مطالب شما نقدی را بر مقاله مشهود نمی رساند ، اتفاقاً ؛ در متن و بحث مقاله عین گفته های شما وجود دارد و شما ندانسته عین مطلب دکتر فلور را به عنوان نقد بخشی از مقاله ایشان ، به نام خود نوشته اید ، که این نوع کارشما بسیار ناروا ست و هیچ سنخیتی با دانشنامه استان بوشهر ندارد.

آیا در قانون نویسندگی و رسم و رسوم نقد ونقادی ، بیان عین مطالب نویسنده ای ، کاربرد نقد بر مطلب همان نویسنده را دارد ؟ برادر عزیز حوزه ی نقادی اینگونه نیست شما که مدعی نویسندگی هستید ، چگونه است که حوزه نقادی را نمی شناسید. مع الاسف ؛ شما در این مورد هم قادر به نقدی بر مقاله دکتر فلور نبوده اید و نگارنده برای شما و بویژه حوزه هنری بوشهر که این مجلدها را از شما به عنوان دانشنامه استان بوشهر پذیرفته متأسفم و اگر مسئولین و مدیران این حوزه ؛ برهنر و هنرمندان بوشهری اینگونه ضعیف می نگرند، باید بر هنر در بوشهر عزاداری کرد. جناب یاحسینی! مطالب بی ربط ، نظام گسیخته ، از همه بدتر آثار و ترجمه وغیر ترجمه دیگران را به نام خود ، دانشنامه یک استان خواندن سرطانی است بر دانش و دانشنامه.

پاراگراف ششم و هفتم از صفحه ۶۹ و ۷۰ : آنجا که باز هم به عنوان نقد از مقاله دکتر فلور آورده اید که : «فلور درمقاله خودش به بسیاری از این کنسولگریها اشاره کرده ، امّا نام کنسولگری ایالات متحده آمریکا را از قلم انداخته است و ...»

پاسخ منتقد به پژوهشگر: آقای یاحسینی! اولاً : در این مورد نیز کار دکتر فلور را نقصی نیست زیرا سند معتبری در دست نداشته است تا نام این کنسولگری را از قلم نیندازد ، از طرفی نظر شما هم به عنوان نقدی بر مقاله قابل اعتماد و پذیرش نیست. جنابعالی ، چون تمایل به سند سازی دارید، بدون تحقیق در وجود و صحت و ثقم و اعتبار سند ، بدون احتیاط ، آن را در یک مجموعه ی گسترده ای با عنوانی معتبرتر ، به نام دانشنامه استان بوشهر بکار می گیرید. تازه به اعتراف خودشما در کنفرانس شارجه، سند مورد نظرتان از جانب دانشمندان شرکت کننده در کنفرانس از اعتبار تاریخی ساقط اعلام گردیده است .

ثانیاً : درصفحه ۷۷ کتاب در بخش ارائه گزارش کوتاه از کنفرانس شارجه نوشته اید که : «من در تحلیل و نقد خودم به موضوع تأسیس قنسولگری آمریکا در بوشهر و بخصوص طرح لشکرکشی آمریکا به بوشهر در عصر ناصرالدین شاه قاجار پرداختم که برای حضار بسیار شگفت انگیز و غیر قابل باور بود و گری سیک یکی از معروف ترین چهره های سیاسی و علمی و مشاور جیمی کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا سئوالی پرسید که توضیحات من او را قانع نکرد. گری سیک به من گفت که تاکنون در اسناد وزارت خارجه آمریکا به چنین سندی برخورد نکرده است . چند تن دیگر از پژوهشگران خلیج فارس شناس و ایران شناس حاضر در کنفرانس و حتی "لارنس پاتر" نیز در باره درستی ادعای من در باب لشکر کشی آمریکا به بوشهر در عصر قاجار تردید جدی کردند.»

پاسخ منتقد به پژوهشگر : جناب یاحسینی! با استفاده از فرمایشات خود شما ، شاهد و ناظر و معترفید که ، اندیشمندان و خلیج فارس شناسان و ایران شناسان و همین طور آمریکائی های حاضر در کنفرانس، برهیچ یک از انتقادها و اسناد شما اقبالی نشان نداده اند و مهر مردودی بر هر دو سندِ بی اعتبار شما زده اند. بنابراین لازم به ذکر است که ؛ کار دکتر فلور بسیار درست بوده است ، زیرا نویسنده ای که به اسناد معتبری نرسیده یا بر اعتبار مطلبی اشراف علمی دقیق و مستندی ندارد و به آن نمی پردازد ، اورا عیبی نیست. امّا نویسنده دیگری چون شما هم وجود دارد که بدون تحقیق در صحت و اعتبار سندی بر او اقبال پذیرش نشان می دهد، نام استان خود را همراه با همه ی پژوهشگران و قلم بدستان این خطه ی با ارزش، زیر سئوال می برد و آنگاه از این سند در کنفراسی با حضور اهل علم و قلم و محقق، تلاش دارد تا بر مطالبِ درست و معتبر دیگران خط بطلان بکشد و خویشتن را محققی بسیار مطلع و عالم معرفی کند.

برادر عزیز! عیب شما در این خصوص نا بخشودنی است . مع ذالک ، جای بسی تأسف و تعجب و سئوال است ؛ دکتر فلور که خود در کنفراس حضور داشته اند، چرا و به چه دلیل به شما پاسخی نداده اند و از خود دفاعی نکرده اند؟ لذا ، احتیاط همه جانبه لازم است تا هر زمان به عنوان نماینده یک استان ، آنهم با برچسب پر طمطراق نویسنده و پژوهشگر قرار است در مجامع علمی شرکت کنید، به احترام همه ی پتانسیلهای استان خود؛ قوی و بامستندات معتبر حاضر شوید. از خطاهای خویش درس عبرت بگیرید.

در این وادی، سرانجام دچار فراموشی مزمن شده اید و با گذشت از نقد و کمیت گرایی و آماری ، در آخرین پاراگراف صفحه ۷۰ ، مقاله دکتر فلور را بطور کامل به کمک عبارتهای زیر تأیید کرده اید که: «مقاله دکتر فلور دارای آمارها و اطلاعات و برخی تحلیل های جالب و مفید ی می باشد . تحلیل ایشان از رویکردِ تجّار به بوشهر و جاذبه های آن و دلایل افول تجارت در بوشهرِ در عصر رضا شاه نیز قابل تأمل است».

پاسخ منتقد : برادر عزیز! من هم با شما موافقم که بطور کلی محتوای اصلی مقاله دکتر فلور همین است که شما می فرمائید. البته شما هم با من موافقید که توان نقد مقاله را نداشته نقدی انجام نداده اید، بلکه متعلقاتی غیر مستند، به نظر و خواسته های خود خواستار اضافه شدن به مقاله بوده اید. مع الوصف ، این روش نگاه شما را نقد مطلب نمی گویند.

به منظور توضیح تکمیلی از این بخش ؛ حضورتان عارضم که شما با این کار خود به بدعت گذاری در دانشنامه بوشهر اقدام کرده اید چار که اگر مقاله دکتر فلور در برخی موارد نقد پذیر و ناقص بود؛ اولاً : نباید آن را در مجموعه ای به نام دانشنامه استان بوشهر با عنوان بندی روی جلد و به نام خودتان ثبت می کردید . ثانیاً : اگر قصد طرح و نقد مقاله مزبور را در چنین کنفرانسی در ذهن و برنامه خود می داشتید ، باید با اسناد معتبر و اشرافیت کامل بر اطلاعاتِ حول و حوش مقاله وارد می شدید ، تا شرکت کنندگان در کنفرانس با تردید و ردّ مستندات شما به دیده ضعف با پژوهشگر بوشهری برخورد رفتاری نداشته باشند . وانگهی برای بیان روش نقد مطلب ، بخش کوتاهی از مقاله را برایِ نقد مثال گونه بصورت زیر خواهم آورد .

مثلاً ؛ دکتر فلور در صفحه ۱۴ کتاب یعنی در آغاز مقاله (اگر مقاله درست باشد) فرموده اند که : «دلایل متعددی وجود دارد که روشن می کند چرا بوشهر در عصر قاجار به عنوان مهم ترین بندر جنوبی ایران باقی ماند .» مشارالیه در ادامه دلایل را بیان کرده اند . اما اگر کار شما به عنوان منتقد به شکل زیر مطرح می شد ، قابل پذیرش بود . مثلاً : اگر دلایل دکتر فلور ، محلی از اشکال می بود و شما برآنها خورده می گرفتید و دلایل ایشان را مردود شمرده مستنداتی معتبر را مدعی بودید و می نوشتید ، این موارد به عنوان نقد بر مقاله وارد بود . یا مثالی دیگر ؛ در صفحه ۱۷ ، دکتر فلور بیان داشته اند که : «بوشهر دو لنگر گاه بسیار محدود داشت که تا حدودی پوشش و پناهگاهی بودند در برابر باد غالب که همان بادشمال غربی است و فاصله پناگاه اوّل ۴ تا ۴/۵ کیلومتر و پناگاهِ دوّم در ۱۰ کیلو متری ساحل قرار داشتند». حال به عنوان مثال ؛ اگر سند فوق الذکر ، اشتباه بود و شما اسنادی دال بر اینکه بوشهر به جای دو لنگرگاه چهار لنگر گاه داشته و تصحیح سند را اعلام می کردید ، نقدی بر مقاله تعریف می شد. یا اینکه در بیان کم عمق بودن ویا عمیق بودنِ دو لنگرگاه خطای مستندات تاریخی موجود بود و شما مجدداً تصحیح سند می داشتید ، ارائه این موارد به عنوان نقد مقاله قابل پذیرش بود.

و امّا جملات پایانی بنده به عنوان منتقد در خصوص بخش مورد نظر و پاسخ به شما ، استفاده مجدد از نوشته های خود شماست ؛ زیرا در تنظیم مطالب ، متوجه نشده اید که در صفحات قبل و بعد، چه گفته اید : طبق شناسه ای که خود شما از دکتر فلور در این مجموعه داده اید ، ایشان را ایران شناس و خلیج فارس شناس معرفی کرده اید ، نه انسان شناس و جامعه شناس یا ادیان شناس ؛ از طرفی مدرک تحصیلی و تخصصی علمی مشارالیه را بیان نکرده اید و تنها نوشته اید که بدنبال بازنشستگی از بانک جهانی است. با این اوصاف بنظر می رسد که در حوزه اقتصادی صاحب نظر است . پس اگر در نوشتن مقاله ، روش اکونومیستی ، کمیت گرایانه و آماری را برگزیده است ، خطایی بر کار او وارد نیست ، آنهم با احتساب آزادی روش تحقیق و پژوهش برای نویسنده . وانگهی ؛ زمانی که دکتر فلور از تجارت و ترانزیت و تخلیه و بارگیری و انتقال کالاها از بوشهر به سراسر کشور به هر روشی سخن می راند و استقرار کنسولگریها و مستشاران بریتانیایی و دیگر کشورها را مطمح نظر دارد، لذا انسانها را نیز در بوشهر در کنار یکدیگر و در تبادل افکار و هم اندیشی تجاری، فرهنگی ، مذهبی قرار می دهد . شما می دانید که کالاهای تجاری خود متحرک نیستند تابه راحتی جابه جا شوند ، بنابراین بیتوته و اسکان و مقیم بودن دائمی تاجران مختلف ، این مهم را محقق می سازند . فلذا چنانچه در مقاله غور شوید و دقت اندیش باشید ، ایراد شما به عنوان نقد محرز و وارد نیست .

نقد و پاسخ به نظرات شما در بخش : گزارشی کوتاه از کنفرانس دانشگاه آمریکایی شارجه از صفحه ۷۱ کتاب

جناب یاحسینی !! شما این بخش را که با عبارات «اسفند سال ۱۳۸۷ برای من ماه بسیار پر کار و پر تحرکی بود و ...» با نوشتن سفرنامه یا خاطره نویسی آغاز کرده اید و نه گزارش نویسی . اولاً : نوشته های شما هیچ شباهتی به گزارش از یک کنفراس علمی ندارد . ثانیاً : این قصه نویسی به تعبیر شما گزارش از یک کنفراس علمی چه دردی از دانشنامه بوشهر را درمان می کند؟ برادر عزیز! شما چگونه نویسنده ای هستید که تفاوت واژه ها و اصطلاحات را در برد معنایی نمی دانید . در ادامه ، مطالب شما تا پایان بخش ، توضیحی است دوست یابی و به اعتراف خود شما، هرکس در خصوص بوشهر و تاریخ نگاری آن از شما سئوالی پرسید ، شما در پاسخ به سئوال ایشان، وعده دعوت آنها را به بوشهر داده اید ، زیرا قادر به پاسخگوئی به سئوالات آنها نشده اید. شما مدعی مسئولیت تدوین و نظارت بر دانشنامه بوشهر هستید، ولی قادر به پاسخگویی به سئوالاتی در مورد بوشهر و خلیج فارس به خلیج فارس شناسان نیستید. مورد دیگر اینکه به علت عدم اعتبار مستندات شما در کنفرانس ، ارائه هیچ سند تاریخی را از شما پذیرا نشده اند . اعتراف دیگر شما در صفحه ۷۹ گفته اید که : «مسئولان شارجه ای دانشگاه آمریکایی شارجه در یک نمایش تبلیغاتی ، چهار تن از دانشجویان دختر و پسر عرب را آوردند و آنها در باره هویت خلیجی و عربی خود سخن گفتند و هیچ نامی از ایران نبردند و گویی ایران مرزی با خلیج فارس ندارد».

پاسخ منتقد : آقای یاحسینی! پس شما و همه خلیج فارس شناسان ایرانی حاضر در کنفرانس را بازی داده اند؟! زیرا کنفرانس با سخنرانی دکتر سلطان القاسمی امیر شارجه که شخصیتی عربی است شروع گردید. در نهایت کنفرانس را با سخنرانی فرزندان نوجوان عرب خود چنان به پایان بردند بدین معنا که دانش و اطلاعات شما در مورد این خلیج ، بسیار ضعیف است زیرا اگر بر دانش علمی شما شکی نداشتند به جای استفاده از دانشجویانی عرب ، از اساتید دانشگاهی خود استفاده می کردند، تا حداقل از همان خلیج عربی سخن بگویند و کنفرانس را به پایان ببرند. بنابراین خروجی کنفرانس نیز به نفع آنها تمام شد و آنچه شما بافته بودید رشته شد و قادر به دفاع از خلیج فارس نشده اید .

سخن آخر منتقد :

و امّا نظری خاص در مورد مقاله دکتر ویلم فلور ، با تمرکز بر کلیه تاریخ های استفاده شده در این مقاله ، به این نتیجه رسیدم که در تبدیل تاریخ ها ی قمری به میلادی و میلادی به هجری شمسی و با العکس احتمالاً اشتباهات و اختلافاتی موجود است، فلذا مدارکی را فراهم آورده ام، تا بعد از بررسی دقیق و انجام محاسبات لازم ، مقاله فوق الذکر را در آینده ای نزدیک مورد نقد و نقادی قرار دهم .

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۶۷۰ - یک شنبه ۱ مرداد ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

خدا قوت آقای شهردار گناوه

ایرج شمسی زاده : در گذر سالیان رهگذر آفاق دور و نزدیک بوده‌ام و چون به دیار دریانشینم دلبسته و عاشقم، از هر سرزمین گذشته‌ام نقشی به چشمخانه نشانده و گوشه‌ای از زادگاهم را در تصوّر، به آن تصویر آراسته‌ام. اما این آرزوی محقق شدنی هرگز دست از دلم برنداشته که خانه‌ام را از مجاز آن جمال خیالی به حقیقت راستین بیارایم. دریغ که من امکان و مجال ساخت ساحتی دلنشین برای شهر و دیار و مردم نازنین آن نداشته‌ام. اما می‌دانستم که عملی شدن این دل خواسته‌ها تنها یک چیز لازم دارد؛ همّت، و مردی که چون «علی بیروتی» همّت بلند داشته باشد تا دست به کاری بزند که غصه سر آید و تمامِ ناشدنی‌ها را به شدنی بدل کند. بیهوده نگفته‌اند که:

همّت بلند دار که مردان روزگار
از همت بلند به جایی رسیده‌اند

نوروز امسال در زمانی اندک بندر زادگاهم را دیگرگونه یافتم. چهره‌اش پیراسته شده بود و گرد و غبار سالیان از این رخسار زیبا برخاسته بود. ورودیه شهر همچون مدخل بسیاری از شهرهای صاحب جمال کشور به زیور گل و سبزه و (بلوارهای نظر) آراسته شده بود. از پل ورودی تا نخستین چهارراه‌های شهر، گل‌های زیبا حتا زیباتر از سایر نقاط چشم‌نوازی می‌کرد و در میان انبوه مهمانان نوروزی، پیراستگی گل به گل شهر خبر از وجود صاحب‌همّتی چون علی بیروتی می‌داد که اگر چه کوتاه مدتی بود این جوانِ جوانفکر به شهرداری گناوه منصوب شده بود، اما ایام عید باَ دستی پُر جمال و جلال شهری را عیدانه مردم آن کرده بود. گذری به کنار دریا و ساحل زیبای گناوه که یکی از زیباترین سواحل ایران - بلکه منطقه - است نشان می‌دهد که شور و غوغایی که در این حاشیه برپا شده، حاصل تلاش جوانی دلسوز و مبتکر است که آستین برکشیده تا شهری را با حداکثر امکانات و توانایی‌هایی که ممکن است به زیبایی بیاراید و مردمی را به نازش به شهرشان مفتخر کند و خود بر صدر این افتخار بنشیند. تا بندری در اوج جلوه و جلال به دریامردان و دریانشینان و دریادوستان عرضه کند و بنیادی استوار و مستمر در ساخت بلوار ساحلی و چشم‌اندازهای آن با پاکیزگی و آراستگی پی‌ریزی کرده و هر چه بیشتر می‌گذرد بر جنبه‌های مختلف ساخت و تکمیل و تکامل ساحل این بندر زیبای کران تا کران از جنوب تا شمال بیشتر بیفزاید. دیری نخواهد گذشت که خیابان ساحلی این بندر عروس تمام بنادر ایران و گل سرسبد دریا منظر کرانه‌های بنادر خواهد شد.

نکته‌ی دیگری که واقعاً جای ستایش دارد و این جوان تلاشگر تمام توش و توان و انرژی و توانایی مادی و معنوی خود را در انجام آن صرف نموده، کشت هزاران درخت و نخل‌های سرسبز است که تا چند سال دیگر چهره شهر را تغییر داده و سبز و بالنده از بندر ریگ تا گناوه و کوچه و پس‌کوچه و خیابان‌های شهری را برای همیشه آراسته خواهد کرد و چه این آقای علی بیروتی شهردار باشد و چه نباشد این سرسبزی شهر برای همیشه از ایشان به یادگار خواهد ماند و این خدمتی نیست که بشود به آسانی از کنار آن گذشت و این جوان را تحسین نکرد.

من یک هفته بیش نیست که ایشان را دیده‌ام و آرزوی توفیق همه‌جانبه برایشان دارم. نمی‌گویم: خسته نباشید آقای علی بیروتی! چون می‌دانم این جوانمرد هرگز خسته نمی‌شود و با پایمردی پا به پای گل‌ها و درختان کشت خود سبز و بالنده رشد خواهد کرد و برگ و شکوفه خواهد داد و سایه می‌گسترد، بلکه می‌گویم خدا قوت آقای شهردار گناوه.

فرماندار جم: قیمت اجناس، یکی از اساسی‌ترین دغدغه های مردم شده است

فرماندار جم گفت: با سودجویان و متخلفان بازار در جم برخورد قاطع می‌شود. خلیل عبداللهی در نشست با مدیران و مسئولان دستگاه‌های اجرایی شهرستان جم اظهار داشت: تنظیم بازار در رسیدگی به مباحث مهمی همچون معیشت مردم در شرایط فعلی که به ماه مبارک رمضان نزدیک می‌شویم در اولویت کاری مسئولان بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عبداللهی بیان کرد: با پیش‌بینی‌های خوبی که از مباحث مختلف انجام داده‌ایم ذخیره‌های لازم وسایل مورد نیاز مردم در ماه مبارک رمضان فراهم می‌شود تا مردم مشکل خاصی در این زمینه نداشته باشند.

این مسئول وضعیت بازار و افزایش قیمت اجناس را یکی از دغدغه‌های مردمی دانست و عنوان کرد: قیمت اجناس و وضعیت بازار به یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های مردم تبدیل شده و مسئولان باید با نظارت دقیق و مستمر بر بازار این دغدغه مهم مردمی را برطرف کنند.

فرماندار جم به وظایف دستگاه‌های نظارتی در ماه مبارک رمضان اشاره کرد و افزود: دستگاه‌ها نیز باید با جدیت و قدرت تمام با متخلفین در امر عرضه و تقاضا بازار برخورد کنند و کوچک‌ترین اغماضی پذیرفتنی نیست.

وی گفت: مسئولان باید با کنترل بیشتر خود زمینه جلوگیری از سوء استفاده‌های کلان برخی افراد را در بازار گرفته و با رعایت حقوق شهروندان، مردم را یاری و با بی‌نظمی و بی‌قانونی با جدیت برخورد کنند./منبع:فارس

گپ و گفت نسیم جنوب با عبدالحسین کنین نویسنده و اهل فرهنگ در بوشهر:

نباید مأیوس شد

مصاحبه از نسیم فقیه

- سی سال معلمی و نزدیک به ده سال تدریس در دانشگاه توسط شما، پس از نزدیک به چهل سال حضور در عرصه فعالیت های فرهنگی و آموزشی، چه تجربه ای را می توانید در اختیار جوانان بگذارید؟

- اگر منظورتان از فعالیت های فرهنگی به معنی عام کلمه باشد باید عرض کنم که فرهنگ بعد وسیعی دارد هر گامی که ما در زندگی بر می داریم خود یک فرصت فرهنگی است، اما آنچه که امروزه بین مردم رایج است فعالیت هایی از قبیل، سینما، تئاتر، شعر و موسیقی، روزنامه نگاری، نویسندگی و غیره ... می باشد که هر کسی بنا به علاقه و استعداد خود به آن می پردازد بنده هم بعد از نزدیک به چهل سال کار معلمی هر از چند گاهی از روی علاقه، دستی به قلم دارم با این وجود نیاز به راهنمایی و تجربه دارم و چون ابعاد فرهنگ بسیار متنوع است بنابراین هیچ نسخه ای از پیش آماده شده را نمی توان به کسی تجویز کرد و فقط می بایست استعداد جوانان را شناسایی کرد و آن ها را با توجه به علاقه ی خودشان هدایت نمود.

- زندگی فراز و نشیب های زیادی دارد سختی ها از همه سو هجوم می آورند چگونه می توان در مقابل سختی های زندگی سر فرود نیاورد؟

- در گذشته ی عمر ما هم زندگی سخت بود اما ابزار زندگی و شرایط آن روزگار طوری بود که می شد در مقابل سختی ها و ناملایمات مقاومت کرد چون چیزی زیادی برای از دست دادن نداشتیم. اما امروزه به علت مصرف گرایی و سرعت تغییرات و اختلاف ثروت، برای بخشی از مردم مقابله با این شرایط دشوار و برای گروه دیگر که از این شرایط بهره می گیرند چندان سخت نیست، اما نباید مأیوس شد.

- برای روی آوری جوانان به مطالعه چه باید کرد؟

- مطالعه، عشق و آرامش فکری و هم چنین کتاب مناسب و ارزان لازم دارد.

- چه عاملی باعث تشویق نسل شما به مطالعه می شد؟

- عاملی که باعث علاقه مندی ما به مطالعه شد تشویق و راهنمایی برخی از معلمان بود که با اشتیاق فراوان گاهی به کمک دوستان و همکلاسی هایمان یک کتاب می خریدیم و به نوبت می خواندیم و حتی یک کتاب چند بار مطالعه می کردیم و از آن لذت می بردیم انگار که همه ی دنیا توی این کتاب ها خلاصه شده بود! اما امروزه جوانان اوقات فراغت خود را با مسائل دیگری پر کرده اند، البته گرانی کتاب، نداشتن انگیزه لازم برای مطالعه و هم چنین عدم راهنمایی های خانواده و شاید معلمان نیز مزید بر علت است.

- شاید استفاده جوانان از اینترنت، باعث شده تا فکر کنند، نیاز چندانی به مطالعه ندارند؟

- البته منکر این مطلب نیستم که امروزه، اینترنت به راحتی برخی نیازهای علمی و غیر علمی جوانان را تأمین می کند شاید هم این عامل یکی از عوامل دوری جوانان از مطالعه کتاب باشد. بنابراین در این میان می ماند عده ای که از قدیم اهل مطالعه بوده اند و عمدتاً هم اهل اینترنت نیستند و هنوز هم اشتیاق به مطالعه دارند، اما گرانی کتاب هم ممکن است این عده قلیل را هم از مطالعه دور کند.

- عوامل بی انگیزگی و عدم نشاط دانش آموزان نسبت به یادگیری دروس، را چه می دانید؟

- اتفاقاً چند روز پیش با برخی از همکاران در رابطه با کلاس های درسی دبیرستان ها و دانشگاه ها و بی انگیزگی، احساس خستگی و عدم شادابی آن ها صحبت می کردیم، که بنده عرض کردم در این رابطه گناهی متوجه دانش آموزان و دانشجویان نیست بلکه گناه ما مربیان، پدران و مادران است که نمی دانیم و نمی خواهیم بدانیم که نیاز جوانان چیست، به همان اندازه که در خانواده ها فاصله ای بین نیازهای بچه ها و پدر و مادرها ایجاد شده همین وضعیت در کلاس درس هم حکمفرماست، چنان که در گذشته این چنین فاصله ای در خانواده ها نبود و تاثیر آن هم در کلاس های درس مثبت بود و آن چنان شکافی بین والدین و فرزندان وجود نداشت و جمله "بزرگتر ها حرف ما را نمی فهمند" را کمتر از جوانان می شنیدیم.

- آیا گذشت روزگار و گرفتاری زندگی، می تواند بهانه ای برای دوری از مطالعه باشد؟

- اگر کسی علاقه به مطالعه داشته باشد و مطالعه کردن در او نهادینه شده باشد، در هر شرایطی مطالعه می کند گر چه ممکن است حوادث روزگار کمی در روند مطالعه تأثیر بگذارد ولی اشتیاق به مطالعه در او از بین نمی برد، گرچه خیلی طبیعی است که انسان هر چه بیشتر مطالعه کند تازه متوجه می شود که هنوز خیلی چیزها را نمی داند بنابراین مطالعه حد و مرزی نمی شناسد.

- شما که هنوز اهل مطالعه اید؟

- بنده در حد بضاعتم تا چشمم اجازه بدهد برای ارضای خودم و هم چنین به کارگیری در کلاس های درسی مطالعه می کنم.

- در زمانه ای که پول و ثروت ملاک خوشبختی شده و مادیات مقصد بسیاری، چگونه می توان به ارزشهای دیگر انسانی نیز توجه نمود؟

- شاید نابودی بسیاری از ارزش ها به خاطر جایگزین شدن مسئله مادی است و اگر واقع گرایانه تر فکر کنیم به علت غلبه رسانه های جهانی و ارتباط مردم دنیا با هم، دنیا می رود که نسبتاً یکدست شود و همان دهکده ی جهانی که منتظرش بودیم فرا رسیده است، بنابراین حفظ تمامی ارزش ها در یک مکان جغرافیایی در دنیای کنونی اگر نگوییم که ممکن نیست بلکه واقعاً سخت است، اما تکلیف ما این است که مزیت های فرهنگی و بومی خود را حفظ و به عنوان یک الگوی جهانی به دنیا معرفی کنیم.

- نسل در حال رشد کنونی را در مقایسه با نسل خود در هنگام رشد از نظر اشتیاق به یادگیری و تجربه اندوزی و در نوردیدن عرصه های زندگی چگونه می بینید؟

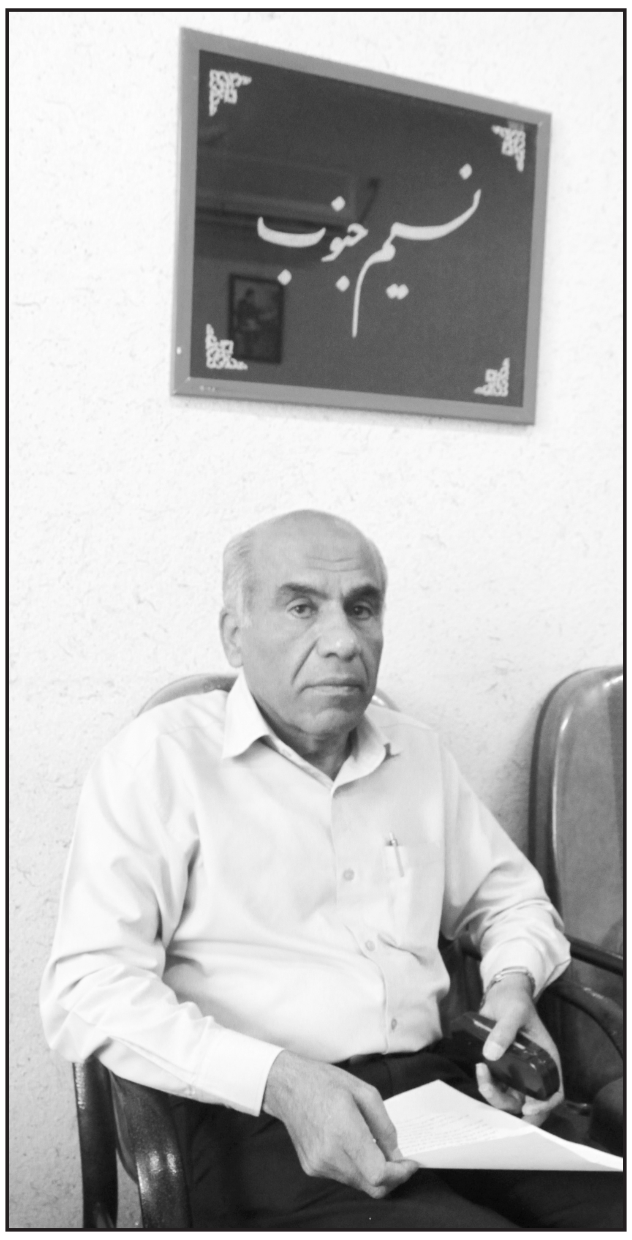
- حقیقتاً باید گفت که هر دو نسل اشتیاق فراوان به یادگیری دارند، ولی مقایسه این دو نسل با توجه به خواسته ها و نیازهای آنها و لوازم و ابزاری که در اختیار داشتند و دارند با هم درست نیست، نسل گذشته با وجودی که در محیط بی ارتباط و یا کم ارتباط جهان زندگی می کرد و گاهی بهترین وسیله ارتباط با جهان رادیو و در حد محدود روزنامه هایی بود که گاهی با دو روز تأخیر به دست آنها می رسید و همین حجم اطلاعات کم، درک عمیقی داشتند. در حالی که بچه های امروزی از کودکی با حجم عظیمی ازاطلاعات روبرو هستند که با توجه به ظرفیت مغزشان و توان یادگیری علیرغم هوش زیاد بسیاری از آن ها، این اطلاعات را به طور سطحی دریافت می کنند که نتیجه آن در دوران جوانی، و آزادگی آن ها از درس های معمولی و علوم مختلف می باشد، زیرا نمی دانند از این حجم اطلاعات چگونه و در چه راهی استفاده کنند. دانش آموزان و دانشجویانی سراغ داریم که اطلاعات زیادی از زندگی دهها هنرپیشه و بازیکن فوتبال دارند و حتی آن ها را الگوی خود قرار می دهند، اما در حل ساده ترین مشکل زندگی خود عاجزند و گاهی از ساده ترین ارزش های اجتماعی محیط خود بی اطلاعند.

- کتاب و نمایش و شعر در زندگی نسل شما چه جایگاهی داشت؟

- زندگی نسل ما برای کسانی که تحصیل می کردند عجین شده بود از مطالعه کتاب به ویژه کتاب شعر و گاهی دیدن تئاتر و ورزش، اما در این میان شعر جایگاه ویژه ای داشت چرا که ما در عصری به سر می بردیم که عصر طلوع شعر نو یا به اصطلاح موج نو در ادبیات پارسی بود و ظهور شاعرانی چون شاملو، فروغ فرخزاد، منوچهر آتشی و ... که بسیاری از مضامین جامعه را به شعر منتشر می کردند. جالب تر اینکه فضای شهرمان (بوشهر) نیز با بوجود شاعران بزرگی چون آتشی، نعمتی، حمیدی، باباچاهی، بیابانی و ... کاملاً فرهنگی و ادبی بود. گرچه موج نو شعری در ایران تا حدی مانع گرایش جوانان به اشعار قدیم و پر محتوای گذشته شده بود، اما این اشعار و شاعران بی همتای ادب فارسی چیزی نبود که غبار زمان آن ها را محو کند، با این حال هرگاه شعری می خواندیم یا حفظ می کردیم چنان احساس غرور و آرامش می کردیم که انگار تمام دنیا به ما داده بودند، یا هر وقت تئاتری را می دیدیم کمتر از خواندن یک شعر پر محتوا نبود. به خاطر دارم که در دوره دانشجویی در اصفهان چند بار به تئاتر ارحام صدر رفتم و لذت بردم. در بوشهر هم به برکت وجود ایرج صغیری و هنرمندان شهرمان حداقل سه بار قلندر خونه را دیدم.

- به نظرتان نسل شما برای ارزش های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی، بیشتر ارزش قایل بودند یا نسل کنونی؟

- نسل ما نسل مسئولیت پذیر، وقت شناس، سخت کوش، قدر شناس و تا حدود زیادی حافظ هنجار های جامعه بود. از این که امروزه احساس می شود که شاهد



نادیده گرفتن ارزش های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی هستیم و عده ای وسایل ارتباطی مانند ماهواره ها و عده ای نوع مدیریت ها را مسئول این وضع می دانند، به گمان من تأثیر هر دو این ها نسبی است و عوامل دیگری نیز نقش دارند، اگر چه نقش خانواده ها و نوع مدیریت های مسئولیت پذیر می توانند در بهبود این وضعیت تأثیر بسزایی داشته باشد.

- چرا کالاهای فرهنگی در جامعه ما، خریداران کافی ندارند؟

- پول و ثروت ملاک خوشبختی شده و مادیات مقصد بسیاری است، دیگر جای تعجب نیست که تیراژ کتاب ۱۰۰۰ جلد برسد و خوانندگان روزنامه محدود شود و در انجمن شعر و ادب شرکت کننده کم باشد چون کالای فرهنگی خریداری ندارد و این بزرگترین خطری است که ما را تهدید می کند، گرچه گاهی به همت افراد و نهادهایی دلسوز شاهد برخی از گردهمایی های فرهنگی هستیم، ولی این روند مقطعی است و استمرار ندارد.

- در زمینه فرهنگی، چه خواسته ای داشتید که دست نیافت؟

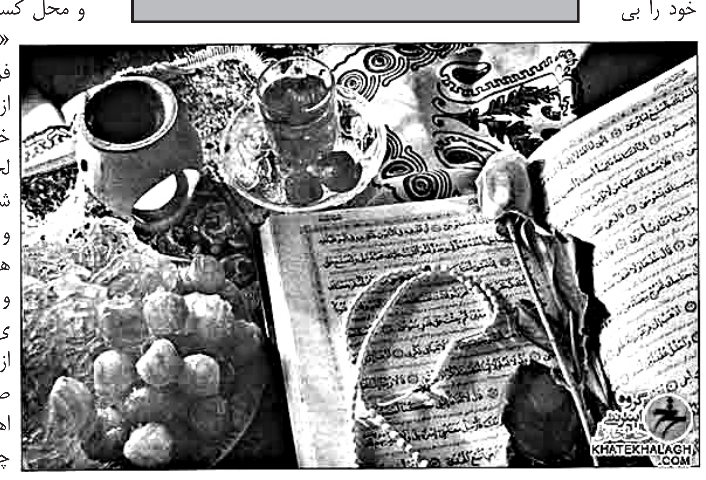
- همیشه آرزو داشتم کسانی مسئولیت فرهنگی جامعه را به عهده دارند به زحمات افرادی که همه چیز خود را صرف زنده نگه داشتن فرهنگ جامعه خود می کنند و آثاری پدید می آورند که نسل های بعد هویت خود را بهتر بشناسند، حمایت کنند و از این گونه افراد استقبال کنند نه این که صاحب اثر، خود به آن ها مراجعه کند. اهمیت دادن به نویسنده، شاعر و هنرمند بستر جامعه را فرهنگی می کند، جامعه ای که بستر فرهنگی داشته باشد همه ارزش ها و هنجارهای خود را حفظ می کند و ناهنجاری های جامعه کاهش پیدا می کند.

رمضان و بوشهر

عبدالرسول شادمان

رمضان و دعای سحر

ماه رمضان آمد یا این که عمر ما را مجالی بود تا به رمضانی دیگر رسیده و دل های تشنه مان را در لحظه های عرفانی اش سیراب سازیم. یادش به خیر آن سال ها که بچه بودیم و رمضان ها را با دعای سحر سید جواد ذبیحی آغاز می کردیم. اگر سن و سالمان به آن اندازه می رسید، که روزه می گرفتیم و گرنه فقط پای سفره می نشستیم و از آن چه که دیگران می خوردند ما نیز لقمه ای برمی داشتیم. بعد که همه نمازشان را خواندند و خوابیدند ما هم می خوابیدیم. تا میانه های روز که گرمای هوا، سختی تشنگی خود را به ما نشان نداده بود حس و حالی خوش داشتیم و چون هنوز هم به ظهر مانده بود گرسنگی را نمی فهمیدیم. اما همین که هرم داغ و شرجی های بی امان همیشه میهمان، از راه می رسید، خود را بی تاب و تحمل تر از آن می یافتیم که ادعای روزه داری داشته باشیم، با هزار اکراه و احساس گناه، پیاله کنار هبانه را که تا آخر ماه رمضان تنها ما به سراغش می رفتیم برداشته از آب خنک پر کرده و لاجرعه سر می کشیدیم. اگرچه تشنگی مان رفع می شد اما از خود شرمنده بودیم که چرا نتوانستیم این چند ساعت باقی مانده را دوام بیاوریم. وقتی عطش مان فرو می نشست با خود عهد می کردیم که فردا را مثل بزرگ ترها تا افطار لب از خوردن و آشامیدن فرو بندیم.



«گرده» و «بلبل» و «کماج» در سفره افطار

روزهای ماه رمضان همچون هر ماه دیگری جنب و جوش و حلاوت خاص خود را داشت. ظهرها که می شد دکان «کریم آشی» جای سوزن انداختن نبود و کله پزی «مَندو» هم دست کمی از آشی کریم نداشت. در واقع از جمله اقلام همیشگی سفره های اَفطار بوشهری ها آش بود و کله. در حالیکه «زلیبی» و «بامیه» و البته «پشمک»ی (که دیگر نیست) و «گرده» و «بلبل» و «کماج» و «رنگینک» و خیلی چیزهای دیگر هم زینت بخش سفره های افطار «فقیر» و «غنی» بود. تعجب نکنید سفره های فقیر و غنی، زیرا آن سال ها و آن ماه ها غم بی (نمی دانم این پیشوند «بی» را جلوی کدام کلمه بگذارم که در برابر هر کدام قرار دهم دیگری گله مند نشود. پس بگذار به جای بی نانی و بی گوشتی و بی مرغی و حتی بی چیزی بگویم بی معرفتی و بی انصافی و بی عدالتی) و گرانی و هزار بدبختی دیگر نبود که رمضان را به «ماه گرانی» و «گران فروشی» بدل سازد و طبعا نیازی به تشکیل ستاد تمهید و تهدید و تطمیع و هزاران ترفند بی حاصل برای از بین بردن این همه معضل خودساخته نبود. هر چه بود عشق بود و شور و هیجان بود و کاسبانی که دوست خدا بودند و دوستی هایی که مثل امروز به بند مصلحت زمانه زود گسل نبود.

صدای اذان «موذن زاده اردبیلی»

بعدازظهرها نمایشنامه هر روزه ی «فاجعه ی رمضان» اثر «جرجی زیدان» رادیو بود که همه را مجذوب خود ساخته و با وجود تکرار هرساله باز هم تازه بود و مخاطبان تازه تری داشت. و بعد هم مناجات های «سید جوادذبیحی» که با عنوان اشعار مذهبی پخش می شد.هر چه به غروب نزدیک تر می شدیم حال و هوای بهتری دست می داد از شلوغی دروازه و بازار کاسته می شد. مردم رفته رفته راهی خانه ها شده و بانگ ربنای ذبیحی که از رادیو پخش می شد، در کوچه ها طنین انداز می شد: «همه با هم به سوی خدا برویم» و این آغاز فصلی دیگر بود. از روزی که در آن رنگ و ریا بی رنگ بود. همه خود را برای افطار آماده می ساختند در خانه و محل کسب هر کس برگه های محاسبه ی اوقات شرعی «احمد پور صباغ» که با سختی و خون دل خوردن فراوان تنظیم کرده، نصب بود. او بیش از پانزده سال ازعمر گران بهایش، هر صبح پیش از سپیده سر از خواب برداشت و هر غروب را در کنار دریا نشست و لحظه ی طلوع و غروب آفتاب را ثبت کرد تا اوقات شرعی بوشهر را تدوین کند و مردم بی هیچ شک و شبهه ای امساک و افطار کنند. مرحوم «علوی» هم آن برگه ها را در تیراژ بالا به چاپ می رساند و به رایگان در سطح شهر منتشر می ساخت. سفره ی افطاری تمام و کمال گسترده بود و هر کس از این خوان خداداده لقمه ای می گرفت. این بار صدای اذان «موذن زاده اردبیلی» بود که از رادیو اهواز شنیده می شد. زیرا اختلاف افق اهواز و بوشهر چندان زیاد هم نبود.

روزها رفت و گذشت

آن سال ها گذشت و حسرت یک روز کامل روزه گرفتن دوران کودکی در دلمان ماند. نگاه مان به بزرگ تر ها بود اگرچه می دانستیم حسادت بد است اما حسودی مان می شد که آنان روزه می گرفتند و ما نمی توانستم. روزها رفت و گذشت ایام تاب و تحمل را از بزرگترها گرفت و به ما عاریت داد. همان گونه که آنان نیز این امانت را از پدران خود گرفته بودند. تا چه روزی ما نیز از تک و تاب بیفتیم و در حسرت روزه گرفتن به کوچک ترها نگاه کنیم.

بدهی آبفا روستایی به مالکان چاههای جم

خودداری از وارد کردن آب به شبکه؟

شهرستان جم چند سالی است بدلیل خشکسالی با مشکل شدید کم آبی خصوصاً در فصل تابستان روبروست، علاوه بر خشکسالی های اخیر، برداشت های بی رویه آب توسط شرکت پالایش گاز فجر جم و شهرک های مسکونی تابعه وزارت نفت، هدر رفت آب از طریق شبکه فرسوده آب و بعضاً عدم رعایت مصرف صحیح آب توسط شهروندان مزید بر علت گردیده تا این مشکل به معظل تبدیل گردد.

در این راستا چشمان نگران جمی ها تنها به دوردستی بنام خط انتقال آب کوثر خیره گردیده که کم کم با درنوردیدن کوههای صعب العبور خود را به این منطقه نزدیک می کند تا شاید مرحمی باشد بر لبان تشنه دشت جم، اما تا رسیدن این خط آب، نیاز به وجود برنامه های کوتاه مدت جهت برون رفت از بحران فعلی است.

از سالهای قبل تا کنون اداره آب و فاضلاب روستایی شهرستان جم با اجاره چاههای کشاورزی سعی در برطرف نمودن این مشکل نموده است و جدیدا نیز مهندس پردل مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان بوشهر در گفتگو با آوای جم، تاکید شد: «با اجاره ۸ حلقه چاه جدید بصورت کوتاه مدت، مشکل کم آبی در فصل تابستان را حل می شود.»اینگونه اقدامات باعث خوشحالی و خرسندی مردم در ظاهر می گردد اما واقعیت این است که اداره آب و فاضلاب روستایی شهرستان جم به تعهدات خود در قبال مالکان چاههای آب کشاورزی عمل نکرده و از پرداخت حق اجاره به آنها خودداری می کند.اطلاعات ما حاکیست یکی از چاههای کشاورزی جم بالغ بر یکسال است که اجاره خود را دریافت ننموده است.در همین راستا و به گفته سید جلال حق شناس رئیس شورای اسلامی روستای بهارستان، هفته قبل در روستای بهارستان مالک یکی از چاههای کشاورزی به مدت ۴ روز از ورود آب چاهش به شبکه آب جلوگیری نموده و باعث ایجاد مشکلاتی برای این روستا گردیده که خوشبختانه با پادرمیانی بخشدار مرکزی جم این موضوع فعلاً منتفی گردیده است اما سایر چاههای کشاورزی هنوز درگیر عدم پرداخت مطالباتشان هستند و بیم آن می رود بزودی بقیه نیز دست به اعتصاب بزنند.

امید است مسئولین شهرستانی و استانی در خصوص این موضوع اقدامی عاجل نمایند. بدیهی است به این موضوع نیز واقفیم که مردم (مالکان چاههای کشاورزی) نیز باید در این برهه به مسئولین کمک نمایند اما عدم پرداخت مطالبات به مدت یکسال نیز قابل پذیرش نیست. / منبع:آوای جم

گفت وگو با مهندس جمالی شهردار شهر جم:

شهر جم همه عوامل توسعه را داراست، اکنون در روزهای آغازین توسعه قرار دارد

گفت وگو از سجاد بهزادی



مکث: مهندس جمالی پنجمین شهردار شهر جم است. او از شهرداران جوان استان بوشهرو با تحصیلات فوق لیسانس برنامه ریزی شهری از دانشگاه تهران است. وی مولف سه کتاب در زمینه‌های مربوط به مسایل شهری و چندین مقاله و پژوهش در این زمینه است. اکنون کارنامه و عملکرد حضور ۵ سالگی اش را درشهر جم به نظاره نشسته ایم. مصاحبه اینجانب را به همین بهانه با وی می خوانید.

– وقتی ۵ سال پیش وارد شهر جم شدیدعلیرغم اشنایی که با ان داشتید چه ذهنیت هایی از این شهر برایتان وجود داشت واکنون پس از نیم دهه خدمت در این شهر این ذهنیت چگونه است؟

– با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما و همکاران سخت کوشتان . پنج سال گذشته من با آشنایی و شناخت نسبی وارد شهر جم شدم اما امروز می توانم ادعا کنم از شهرستان جم، شهر جم و مردم شریف آن آشنایی کافی دارم. هر سال ماندن در این شهر با خاطره ها و دغدغه های فراوان همراه بود، فقط می توانم بگویم هر تازه واردی که به این شهر بیاید به سادگی دل از این دیار نخواهد کند و خاک جم او را در خود هضم خواهد نمود.

– چرا؟ مگر خاک جم چه تفاوتی با دیگر نقاط استان دارد؟

– زمینه کار و فعالیت اینجا فراهم است مردم به جد خواهان تغییر و تحول هستند و دستاوردهای کوچک آنها را اقناع نخواهد کرد، و مهربانی پایان ناپذیر که صفت کل مردم استان بوشهر و از جمله مردم شریف شهر جم است.

– یک زمان برخی از کارشناسان نفت و گاز منطقه طی مصاحبه هایی که من با آنها داشتم بر این باور بودند که جم به لحاظ مبلمان شهری، یک روزعروس استان بوشهر خواهد شد. آیا شما نیز به این باور معتقدید؟

– من هم این اعتقاد را دارم، اما در حال حاضر ما در زیرساخت ها، راههای نرفته زیادی داریم.



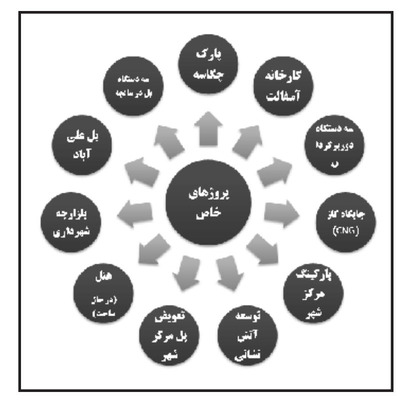
این شهر به لحاظ زیرساخت هنوز مشکلات اساسی دارد. پل ها، دیوارهای حفاظتی و خیابانهای زیادی مانده اند تا ساخته شوند. تا به حداقلی از ایجاد زیرساخت ها نرسیده ایم نمی توانیم پول زیادی صرف توسعه مبلمان کنیم. درکل نگاه شهرداری و شورای اسلامی شهر تاکنون بیشتر توجه به این امر بوده. اگرچه ما به مبلمان شهری و زیباسازی هم بی توجه نبوده ایم.

– مشکل زیر ساخت ها همیشه وجود دارد. شهر جم پس از ۵ سال خدمات شما اکنون دارای چه درآمدهای پایداری که بدون شک به مشکل زیر ساختی شهر نیز کمک خواهد کرد، شده است؟

– درآمدهای ماندگار و پایدار از دغدغه تمام شهرداری های کشور است. بطور کلی درآمدهای مستمر و پایدار موتور توسعه هر شهرداری است. این درآمدها به آسانی به دست نخواهد آمد. ایجاد منابع درآمدی مستمر از مهمترین دغدغه های اینجانب برای شهر جم بود. و چنانچه پیشتر نیز عنوان نموده ام در اغلب پروژه های انجام شده، نیم نگاهی به زمان بازگشت سرمایه های هزینه شده دارم. باید به استحضار همشهریان عزیز برسانم، بازار بزرگ شهر جم با ۹۰ غرفه، کارخانه آسفالت، احداث هتل (در دست احداث)، ایجاد پارکینگ وسط شهر (بستر رودخانه) توسعه شهر بازی تپه چگاسه که بخشی از آنها به درآمدزایی رسیده اند و بخشی انشاء الله در سالهای آینده به محل هایی برای درآمدهای پایدار شهرداری خواهند شد. این پروژه ها به توسعه زیر ساخت های شهر کمک بزرگی خواهدکرد.

– آقای شهردار حضور نفت و گاز در منطقه چه کمکی می تواند به توسعه شهر و یا همان دغدغه زیرساختی که شما دارید، کند؟

– مشارکت نفت و گاز در توسعه و تثبیت زیرساخت های شهری جم اندک است. آنها بیشتر به توسعه



شهرک ها و امکانات خود می اندیشند و کمتر به توسعه کل مجموعه فکر می کنند، شاید قوانین و مقررات موجود مانع مشارکت بیشتر آنان در امر توسعه شهر می شود، شاید هم به زمان بیشتری نیاز دارند. البته از پالایشگاه فجر جم انتظارات بسیار بیشتر است، آنها سالهاست از منابع و ثروت این شهرستان استفاده نموده اند اما در توسعه مشارکت ضعیفی دارند، عوارض آلایندگی یکی از حداقل راههای کمک به شهرستان بود، آنها در سالهای گذشته به تمام شیوه ها برای عدم پرداخت این عوارض متوسل شده اند، عدم پرداخت این عوارض حق ناشناسی و عدم سپاسگزاری از مردم شریف این شهرستان است. من از مدیران عامل شرکت پالایش گاز فجر جم و خدمات غیرصنعتی گاز ایران که تعامل مثبتی با منطقه دارند تشکر می کنم اما کمکهای آنها در شان و منزلت مردم شریف شهرستان نیست. مهندس اسلامی با روحیه مردم داری و علاقه ای که به منطقه دارد و خودش نیز سالهاست که در این منطقه زندگی می کند، می تواند بیشتر مثمر ثمر باشد.

– آیا می توان گفت با توجه به شرایط خاص سرمایه گذاری نفت و گاز در این منطقه و وضعیت خاص کشور در این زمینه، شهرستان جم به نقطه اشباع پیشرفت خود نزدیک شده است؟

– خیر. اتفاقاً برعکس. شهر جم در روزهای آغازین توسعه قرار دارد و سالهای آینده این شهر بسیار پر رونق تر از حال خود خواهد بود. شهر جم از سالهای گذشته روند رو به توسعه ای را پیموده و هرچه به جلوتر میرویم شتاب این توسعه بیشتر می شود. لذا ما منتظر بلوغ بیشتر این شهر در سالهای آینده هستیم. چنانچه جم امروز جم ۵ سال پیش نیست.

– پس چه موانع و پتانسیل های در منطقه می تواند این توسعه را آزار دهد یا شتاب بخشد؟

– موانع و پتانسیل ها متعدد هستند و در مقایسه با پتانسیل های متنوعی که این شهر برای توسعه دارد شاید موانع قابل توجه نباشند. اما گران تمام شدن پروژه ها و هزینه های سنگین احداث ابنیه در سالهای اخیر، عدم مشارکت بعضی از شهروندان در توسعه شهر و بخصوص تملک اراضی، عدم آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات شهرداری و... از موانع و دغدغه های شهرداری در سالهای اخیر بوده است. اما پتانسیل های شهر متنوع هستند و شهر جم همه عوامل توسعه را داراست، آب و هوای مناسب در منطقه که می تواند زیرساخت و عامل مهاجرت و افزایش جمعیت بیشتر شهر باشد، وجود تمکن مالی شهروندان که میتواند در صورت هدایت توسط شهرداری در توسعه شهرسازی موثر باشد. چون صرفاً شهرداری ها نیستند که در پروسه شهرسازی نقش دارند، بلکه شهروندان نیز به نوبه خود می توانند در امر شهرسازی و خلق فضاهای بدیع نقش آفرین باشند. وجود شهرک ها در صورتی که مدیران آن مشارکت بیشتری در اداره شهر داشته باشند و مهمتر از همه مردم فرهیخته شهر میتوانند به کمک شهرداری بیایند.

– اکنون که ۵ سال از خدمت شما بعنوان شهردارشهر جم می گذرد، بزرگترین دغدغه شما در مورد شهر جم چیست؟

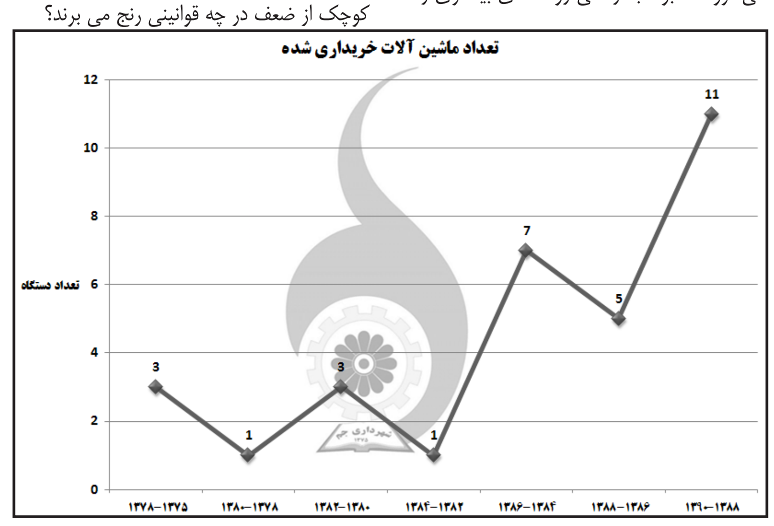
– من در ۵ سال گذشته بدون دغدغه و استرس نبوده ام و دغدغه همزاد کار شهرداری است. من از این امر ناراحت هستم که از ثروت فراوانی که در شهرستان جم وجود دارد، شهرداری که متولی امر و هماهنگ کننده توسعه است بهره ناچیزی می برد و سهم بسیار اندکی دارد. اگر شهرداری به اندازه کافی ثروتمند بود، به راحتی روستاهای بیشتری را تحت پوشش میگرفتیم و مرزهای شهر بسیار بیشتر از حد و حدود فعلی بود و امروز شوراهای اسلامی روستاهای مجاور یا دهیاران که همگی از دوستان نزدیک اینجانب هستند، شاید کمتر نگران بودند. در روستاهای شهرستان فقر شدید است. دوست داشتم کل مردم شهرستان از ثروت موجود بهره مند بودند. من مقاله دانش آموز روستای پلنگی را که در سایت چگاسه آمده بود بارها و بارها خواندم، همه حق دارند به یک نسبت از توسعه شهرستان بهره مند باشند.

– صحبت از روستا ها کردید. آیا شما با الحاق برخی روستاهای پیرامونی به شهر جم موافقید؟ فکر نمی کنید الحاق آنها فقر شدیدی که نگرانش هستی را کاهش می دهد؟

– اینجانب همیشه با الحاق تدریجی و دوره ای روستاها موافق بوده ام و همیشه اصرار داشته ام الحاق روستاهای حاشیه شهر باید با حوصله و طمأنینه انجام شود. شتاب زده عمل نمودن در این خصوص خسارات و لطماتی را به شهر و این روستاها خواهد زد. شهرداری در سالهای اخیر روند توانمند شدن را طی می نماید و در هر دوره ای از تجدید نظر در طرح جامع بخشی از روستاها به شهر ملحق خواهند شد. اطمینان دارم طی سالهای آینده روستاهای علی آباد و بهرباغ اولویت های اصلی شهرداری جهت الحاق خواهند بود.

– آقای شهردار با توجه به مطالعه و دانش شهری که شما دارید، خیلی دوست دارم در فرصتی دیگردر مورد چالش های فراروی شوراها و شهرداری های کشور با شما مصاحبه داشته باشم. از فرصت استفاده می کنم می پرسم به طور کلی به نظر شما شهرداری های کشور به خصوص شهرداری های کوچک از ضعف در چه قوانینی رنج می برند؟





– بطور کلی شهرداری های کشور مشکلات فراوانی در حوزه قوانین دارند، همیشه اعتقاد داشته ام، کشور ما نیازمند اصلاحات یا حتی انقلابی در خصوص مسایل شهری است. ضعف قوانین و بعضاً قدیمی بودن آنها سالانه هزینه های سنگینی را متوجه مدیریت شهری ما می کند.

مدیریت واحد شهری شاید اصلی ترین مساله شهرداری های کشورمان باشد، در حال حاضر شهرداری ها به بخش کمی از شهر مدیریت دارند و بسیاری از اتفاقات در حوزه کاری آنها ، اما خارج از اختیار شهرداری است و در محل دیگری تصمیم گیری می شود، اما تبعات آن گریبان گیر مردم و شهرداری می شود. شهرداری های کوچک بیشتر از ضعف ناشی از مسایل درآمدی رنج می برند و راهکارهای درآمدزایی که در قانون پیش بینی نشده در شهرهای کوچک معمولاً کسی پاسخگو نیست.

– دیدگاههای شما در مسایل مختلف شهر چقدر به دیدگاههای اعضای شورای شهر نزدیک است و مشکلاتی هم تاکنون در این زمینه داشته اید؟

– اختلاف نظر و دیدگاه طبعا در هر سازمان اداره ای وجود دارد اما رابطه ما با هم در کنار این اختلافات جزیی دوستانه و صمیمانه است. اعضای شورای اسلامی شهر واقعا برای شهر دلسوزانه و مسولانه فعالیت می کنند و پیشرفت شهر و بطور کلی شهرستان جم خواسته واحد همه آنهاست. آنها هرگز دنبال مادیات یا رانت ها و امتیازات خاص نبوده اند و میتوان بگویم از معدود شوراهایی است که هنوز حتی یک خودرو هم ندارد و برای کارهای مختلف شورا از ماشین شخصی استفاده می کنند.

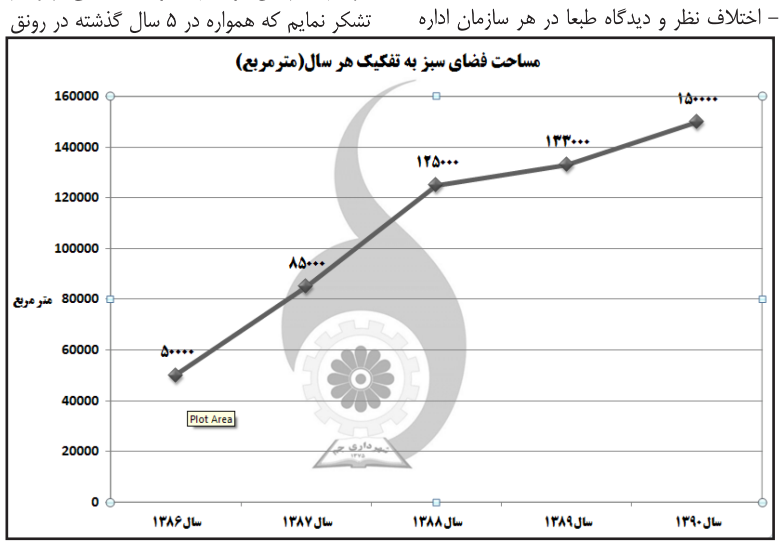
– و در پایان عملکرد شهرداری جم در بخش های مختلف را تشریح کنید؟

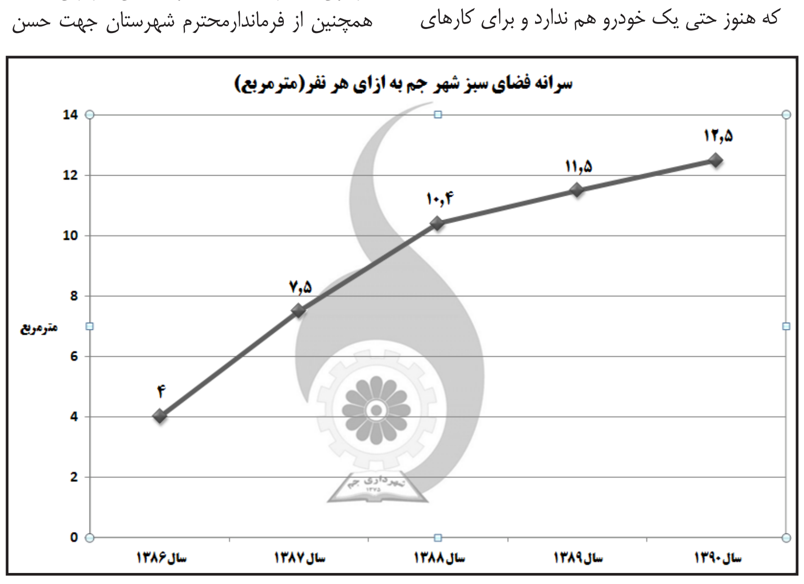
– شهرداری در سالهای اخیر دستاوردهای زیادی داشته است. با وجود اینکه سالهای بدی را به لحاظ عدم درآمدهای کافی سپری نمودیم لذا همیشه در گوشه ای از شهر پروژه ای در حال احداث بوده و ما هرگز متوقف نبوده ایم.

در این سالها به دیدگاههای شهروندان احترام گذاشته ایم و اکثر پروژه هایی که احداث شده خواسته یا پیشنهاد شهروندان بوده است. بازار بزرگ شهر خواسته دیرینه شهروندان بود، ما وضع نابسامان بازار را که نمونه کاملی از بی نظمی و نابسامانی بود جارو کردیم و به بهترین نحو ممکن پروژه بازار را ساماندهی کردیم. کار طراحی تپه چگاسه به اتمام رسیده و انشاء الله امسال در آنجا متمرکز خواهیم بود، در پروژه پارکینگ وسط شهر فقط ایده مردم را عملی کردیم و پروژه موفقی بود. هتل بزرگ شهر با مشارکت جدی شهرداری در حال احداث است، بلوارهای عریض را ایجاد نمودیم و کارخانه آسفالت شهرداری و جایگاه سی ان جی ... به بهره برداری رسیده است، و بسیاری پروژه های دیگر در نمودارها به استحضار مردم شریف می رسد.

– سخن پایانی؟

– از فرصت استفاده می کنم و از شما و همه همکاران سخت کوشتان در شهرستان و استان بوشهر تشکر می کنم. در سال گذشته ما به احترام خبرنگاران، خیابانی را در شهر به این نام نامگذاری کردیم. همچنین خواستم از شورای اسلامی شهر جم تشکر نمایم که همواره در ۵ سال گذشته در رونق و شکوفایی شهر نقش اساسی داشتند و با تشکیل جلسات متعدد و وارد شدن در مسایل گوناگون، نقش آفرینی کردند. درتوسعه فضاهای دانشگاهی بدون اغراق می توانم بگویم شورای اسلامی شهر نقش اصلی را داشت. یا دیگرمسایل کاری شهرستان مثل طرح آبخیزداری، آب کوثر همه مرهون تلاشهای شبانه روزی این عزیزان است. همچنین از فرماندارمحترم شهرستان جهت حسن توجهی که به عمران شهری دارند تشکرمینمایم و در آخر از همکاران خود در شهرداری نیز به سبب تلاشهای خستگی ناپذیرشان در عرصه های مختلف تشکر می نمایم.







هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتو گرافی وچاپ : کارگر



فوتبال بانوان جوانمردانه تر از مردان



مجید اصلانی: از آن جاکه تماشای مسابقات فوتبال بانوان کشورمان با محدودیت هایی روبروست و نمی توان دراستادیوم ها به تماشای مسابقات لیگ برتر نشست تا پس از مشاهدات موضوعات مورد نظر را آنالیز کرد و مقاله فنی نوشت در نتیجه باید به اطلاعات ناظرین ومشاهدات آنان و برخی تصاویر بسنده کرد تا متوجه شد آیا در فوتبال زنان نیز تقلب یا simulation (شبیه سازی) وجود دارد یا نه؟ در برخی منابع خارجی تحقیقاتی توسط محققان صورت گرفته که در تصاویر رقابت های فوتبال زنان نشان می دهد فوتبال زنان شکلی بی آلایش تر از ورزش است که در آن میزان مصدومیت های تقلبی و میزان خشونت بسیار پایین تر از فوتبال مردان بوده و به نوعی جوانمردانه تر است.

در حالی که فوتبال مردان و زنان در یک میدان به مدت ۹۰ دقیقه و قوانینی مشابه برگزار می شوند، اما مشاهده فوتبال زنان و فوتبال مردان تفاوت های قابل توجهی را در میان شتاب و سبک بازی آشکار می کند. آشکارترین این تفاوت ها به گفته پزشکان ورزشی توقف کمتر در میانه بازی است زیرا کمتر دیده شده که فوتبالیست های زن خود را برای فریب داور با شبیه سازی به زمین بیاندازند. از این رو جریان بازی فوتبال تیم های زنان از روند آرام تری برخوردار است.

داوران اولین دوره جام جهانی فوتبال زنان در سال ۱۹۹۱ پس از پایان بازی ها اعلام کردند نسبت به داوری بازی مردان احساس خستگی بیشتری دارند زیرا مردان در هنگام بازی بارها و بارها زمان را به بهانه های مختلف و با خطاهای مختلف متوقف می کنند تا به گونه ای برای رقیب خود کارت زردی دست و پا کنند، اما تیم فوتبال زنان با احترام و یک پارچگی بیشتری بازی می کنند و از این رو توقف زمانی در بازی آن ها بسیار محدود تر است.

سقوط های نمایشی در بازی های سطح بالای فوتبال مردان به خصوص در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به پدیده ای عادی تبدیل شده است و شاید اکنون این پدیده به اندازه یک پرتاب مستقیم و یا یک ضربه از گوشه میدان و یا تمارض دروازه بان ها عادی شده باشد. یکی از پزشکان ورزشی فدراسیون فوتبال آمریکا پس از بارها مراجعه به میدان فوتبال برای کنترل سلامت بازیکنانی که به زمین افتاده اند متوجه پدیده ای مشکوک در میان فوتبالیست های مرد شد.

از این رو وی به همراه گروهی از همکارانش تصاویر ویدیویی



از ۸۹ تیم های فوتبال مردان در چهار رقابت قهرمانی را مورد بررسی و آنالیز قرار دادند. این گروه از محققان توانستند ۹۸۰ مصدومیت را در این بازی ها شمارش کنند که از این میان تنها ۷

درصد از مصدومیت ها واقعی بودند! "مصدومیت واقعی" مصدومیتی تعریف شده است که در آن نشانه های قابل مشاهده مانند خون ریزی و یا نیاز به ترک مسابقه دیده شود. محققان دریافتند به صورت میانگین در یک مسابقه عادی فوتبال مردان ۱۱ مصدومیت غیر واقعی رخ داده و بیش از هفت دقیقه از زمان بازی تلف می شود. اما در مقابل بررسی بازی های فوتبال زنان نشان داد میانگین وقوع مصدومیت غیر واقعی در هر یک بازی ۶ بار است که بر اساس گزارش محققان ۱۴ درصد از این میزان مصدومیت در دسته مصدومیت های واقعی قرار دارند وبه این معنی است که احتمال واقعی بودن دلیل زمین خوردن فوتبالیست های زن دو برابر فوتبالیست های مرد است.

نکته دیگر این است که احتمال ادامه به بازی زنان و قطع نکردن بازی پس از مصدوم شدن بیشتر از مردان است و البته این تنها مورد تفاوت میان بازی فوتبال مردان و زنان نیست. زنان از نظر فیزیکی از جثه کوچک تری برخوردارند و متناسب با این جثه از حجم ریه کمتری نسبت به مردان برخوردارند. به گفته "اندرو لاورینگ" فیزیولوژیست دانشگاه اورگان، محدودیت حجم ریه فعالیت های ورزشی را به واسطه محدودیت میزان جریان خون و اکسیژن به درون ماهیچه ها محدود می کند. از این رو زنان نمی توانند در مدت زمانی معین سریع تر از مردان باشند، به همین دلیل مسابقات فوتبال خانم ها که مانند فوتبال مردان ۹۰ دقیقه ای است، از شتاب و سرعت پایین تری برخوردار است.

از سویی دیگر دنبال کردن یک مسابقه کم برخورد و آرام برای تماشاچیان آسان تر است، البته در برخی منابع آمار نشان می دهد حتی برای تماشاچیانی که نسبت به فوتبال میلی ندارند، درصد تماشای فوتبال زنان بیشتر از فوتبال مردان است.

تازه شدن داغ جای خالی شاهین در لیگ برتر بر دل فوتبال دوستان بوشهری

سال گذشته در همین روزها بود که بوشهری ها به خصوص فوتبال دوستان باانگیزه و امیدی وصف ناپذیر به بازی های لیگ یازدهم چشم دوخته و با حضور بازیکنان چند صد میلیونی در شاهین رویاهای بزرگی در سر داشتند.

امیدهایی که خیلی زود به یاس و ناامیدی تبدیل شد و شاهین بوشهر علی رغم هزینه کرد چند میلیاردی اش، به دسته پایین تر سقوط کرد.

برخی ناکارآمدی و ضعف مدیریت در این تیم به خصوص هیأت موسس را مسبب تمامی مشکلات شاهین می دانند و در مقابل نیز بعضی کارشناسان و به خصوص حامیان و هواداران آن، عدم حمایت نفت از تنها نماینده استان در لیگ و همچنین بی مهری استاندار بوشهر را موجب حاشیه سازی برای این تیم و در نتیجه سقوط به لیگ یک می پندارند.

شاید پس از پایان لیگ یازدهم و سقوط شاهین به رده پایین تر، هنوز بسیاری از بوشهری ها به خصوص مسئولین، تلخی این سقوط را به درستی درک نکرده بودند اما اکنون که دیدارهای لیگ دوازدهم بدون حضور تیم محبوب و مردمی شاهین کلید خورده است، این تلخی و سرخوردگی بیش از پیش نمایان شده است.

مسئولین و مدیرانی که برای ارتقاء جایگاه خود نزد افکار عمومی مصاحبه های مختلفی در مدح این تیم صورت داده و گاهاً ایستاده دیدارهای این تیم را مشاهده می کردند، اما پس از حذف شاهین دیگر هیچ خبری از آنان نبود و نیست؟!

اکنون رقابت های لیگ دوازدهم آغاز شده و شاهین بوشهر علی رغم تمامی شایستگی هایش و تنها به دلیل لجبازی و غرور کاذب برخی مسئولین از هیأت موسس گرفته تا مدیران استان، می بایست در لیگ یک به حیات خود ادامه دهد.

البته اوضاع این تیم محبوب در لیگ یک نیز چندان مساعد نیست. بدهی های کلان این تیم به بازیکنان و سایر طلبکاران موجب شده تا اکنون بحث به مزایده گذاشتن شاهین بوشهر بیش از هر موضوعی دل هواداران این تیم محبوب را به درد آورد.

امروز شاهین بیش از هر زمان دیگری تنهاست. اکثر کسانی که سال گذشته در همین زمان با مصاحبه های گوناگون درصدد بهره برداری از وجهه مردمی شاهین بودند اکنون این تیم را رها کرده و هواداران آن را تنها گذاشته اند.

شاید امروز هواداران شاهین را بتوان نگران ترین و غمگین ترین هواداران فوتبال ایران نام نهاد. هوادارانی که فقط به عشق شاهین و مکتب شاهین از جان و مال خود گذشته و در سرما و گرما با پیمودن کیلومترها مسافت، دیدارهای آن را از نزدیک مشاهده کرده و شاهین را تشویق کردند.

شاید این هواداران از خود بپرسند چه تفاوتی میان شاهین بوشهر و پرسپولیس تهران، استقلال تهران، تراکتورسازی تبریز و یا سپاهان اصفهان بوده که آن ها توانسته و می توانند هزینه های میلیاردی برای تیم خود انجام دهند اما شاهین در پَسِ بروکراسی اداری نفت نتوانست.

شاید این هواداران امروزه از خود بپرسند چگونه مسئولین شاهین سال گذشته بنا به هر دلیلی از عدم رعایت سقف قرارداد گرفته تا بسیاری مسایل ریز و درشت دیگر که اکنون مجال بحث نیست، به کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال احضار می شدند در حالی که در لیگ دوازدهم بسیاری از تیم های نورچشمی بدون رعایت سقف قرارداد توانستند هزینه های سنگینی را بر فوتبال ایران تحمیل کنند؟

به هر حال، امروز جای شاهین بوشهر در لیگ دوازدهم بسیار خالیست. اکنون هواداران و تمامی بوشهری ها علاقمندند بار دیگر شاهینشان را بر فراز آسمان فوتبال ایران ببینند.

در حال حاضر تنها دلخوشی و امید حامیان و هواداران متعصب و خونگرم شاهین، حضور مجدد این تیم در لیگ برتر سال آینده است.

همه امیدوارند با تدبیر و درایت مسئولین این تیم، شاهین بتواند در لیگ سیزدهم بر آسمان فوتبال ایران بدرخشد.

امیدواریم مدیرانی که با لجبازی و حاشیه سازی مانع نتیجه گیری مطلوب این تیم شده نیز از گذشته درس عبرت بگیرند و تمامی همت خود را جهت صعود شاهین به لیگ برتر سال آینده به کار ببندند.

انتظاری که دور از دسترس نبوده و فقط در سایه اتحاد و همدلی تمامی مردم استان بوشهر از مدیران ارشد استان گرفته تا هیأت موسس، مدیران، مربیان، کادر فنی و بازیکنان شاهین به خصوص هواداران خونگرم و متعصب این تیم دست یافتنی خواهد بود./بوشهر نیوز



مزایده باشگاه شاهین به تعویق افتاد

رییس کل دادگستری استان از تعویق مزایده باشگاه شاهین بوشهر خبر داد. به گزارش روابط عمومی دادگستری استان؛ بحرانی درخصوص مزایده امتیاز باشگاه شاهین بوشهر که بنا بود روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه در محل دادگستری برگزار شود ضمن تاکید بر این مهم که اجازه نخواهد داد امتیاز این باشگاه از بوشهر خارج شود، افزود: نظر به اهمیت موضوع و طبق بررسی های به عمل آمده در راستای حفظ حقوق طرفین پرونده، در بحث روند اجرای مزایده ابهاماتی موجود بوده که می بایست از ناحیه اجرای احکام حقوقی مرتفع گردد که براین اساس مزایده مذکور کان لم یکن تلقی گردیده تا اینکه موارد مطروحه در پرونده از ناحیه اجرای احکام دادگاه مربوطه مرتفع شود و پس از رفع موانع قانونی نسبت به اجرای مزایده اقدامات لازم صورت پذیرد. رئیس کل دادگستری استان همچنین با اذعان به این مطلب که مانع انتقال تیم به خارج از استان می شود تصریح کرد: این تصمیم به معنای لغو مزایده نیست بلکه به معنای آن است که هرکس برنده مزایده باشد مکلف است در بوشهر تیم داری نماید. این مزایده در پی شکایت علی نعمتی درباره بدهی اش از شاهین در دستور کار شعبه ۱۰۱ جزایی دادگاه بوشهر قرار گرفته بود.



برگزاری ٦ دیدار تدارکاتی برای شاهین

حمید کللی فر سرمربی تیم فوتبال شاهین بوشهر گفت: تا آغاز لیگ شش دیدار تدارکاتی برگزار خواهیم کرد.

وی ضمن بیان مطلب فوق افزود: در این مقطع علاوه بر افزایش توان هوازی بازیکنان ارزیابی نهایی از برخی مهره ها نیز صورت می گیرد تا با مرور زمان نفرات تکمیلی با شرایط خاص کادر فنی انتخاب گردند.

سرمربی تیم فوتبال شاهین بوشهر ادامه داد: با برنامه ریزی صورت گرفته احتمال برگزاری دو دیدار تدارکاتی در اردوی آماده سازی پیش رو وجود دارد و پس از بازگشت تیم از اردوی تدارکاتی سه الی چهار دیدار تدارکاتی دیگر نیز خواهیم داشت.

حمید کللی فر در پایان خاطر نشان کرد: حدود هشتاد الی نود درصد تیم در طول اردوی تدارکاتی شکل می گیرد و با نزدیک تر شدن به زمان آغاز لیگ علاوه بر افزایش توان سعی در هماهنگی مجموعه بازیکنان را نیز داریم.



اولین تمرین ایرانجوان در شهرکرد



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ورزش بوشهر: تیم فوتبال ایرانجوان بوشهر که برای برپایی اردویی ۱۵ روزه راهی شهرکرد شده است. بعد از ظهر جمعه اولین تمرین خود را در زمین چمن برگزار کرد. این تمرین با حضور تمامی بازیکنان و اعضاء کادر فنی انجام شد.

میرفندرسکی هم به دلیل مراسم ازدواجش در تمرینات قبلی ایرانجوان غایب بود در این اردو حضور دارد و اولین تمرین خود را در فصل جدید برای این تیم انجام داد.

تمرینات ایرانجوان بوشهر در دو نوبت صبح و بعد از ظهر پیگیری می‌شود. صبح بدنسازی انجام می‌شود و بعدازظهر هم در زمین چمن تمرین می‌کنند.

شاهین ٤ میلیارد می‌خواهد تا مجوز بازی بگیرد

تیم شاهین برای پرداخت بدهی هایش تلاش می کند، این تیم برای تسویه حساب با تمام طلبکاران باید ۴ میلیارد پول تهیه کند. آنها در صورتی که این بدهی را پرداخت نکنند اجازه حضور در مسابقات لیگ آزادگان را ندارند. گفتنی است، این پول هنوز تهیه نشده و تنها تیم شاهین از طریق پست بانک حدود ۳/۵ میلیارد بودجه برای هزینه های فصل جاری دریافت کرده است. در همین رابطه شاهینی ها انتظار دارند تا استانداری و اداره کل ورزش و جوانان بوشهر همکاری کنند.

بوشهر، قهرمان ورزش های بومی کشور

اولین دوره جشنواره ملی ورزش های سنتی و بومی محلی کشور با حضور ۲۷۰ ورزشکار مرد و زن در زنجان برگزار شد که در پایان تیم هیئت روستایی و عشایری استان بوشهر قهرمان شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل ورزش و جوانان استان؛ این جشنواره ورزشی به مدت دو روز در شهر سلطانیه از توابع استان زنجان که دارای چمن طبیعی نیز می باشد برگزار گردید. این جشنواره در ۱۲ رشته از ورزشهای عشایری، در فضای روباز و با هدف معرفی، احیاء و رونق بخشی به ورزش های بومی و محلی روستایی و عشایری انجام شد و هر یک از استانهای شرکت کننده نیز حداکثر با ۱۲ ورزشکار در جشنواره حاضر و در رشته های مختلف با هم به رقابت پرداختند.

این جشنواره در بخش های مختلف ازجمله مسابقات دال پلان (زدن هدف با سنگ)، قیقاچ (تیراندازی از روی اسب به اهداف ثابت)، کورس اسب سواری، کشتی شال، حمل علوفه، موسیقی محلی، ورزشهای بومی و محلی، مسابقه لی لی (دو توسط یک پا)، کبدی، اوخ (تیراندازی با کمان) سوپات داشی (فلاخن)، دو و میدانی شامل پرتاب وزنه، پرش طول و طناب کشی برگزار شد.

در این جشنواره استان های گلستان، لرستان، تهران، هرمزگان و کرمان حضور نداشتند.

بوشهری هایی که در این رقابت ها حایز رتبه شدند به این شرح است:صادق پاکدامن – مقام اول مسابقات چهارگانه

اسفندیار مجهزی – مقام سوم کشتی در وزن ۸۵– کیلوگرم

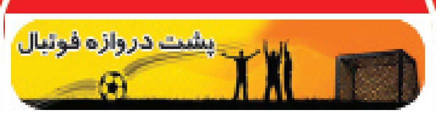
محسن میرشکاری – مقام پنجم کشتی ۸۵+ کیلوگرم

فاطمه بحرانی تنها – مقام هشتم ماده سه گانه

در مجموع تیمهای بوشهر با ۹ امتیاز، گیلان با ۷ امتیاز و زنجان با ۶ امتیاز به ترتیب اول تا سوم شدند.



عکس از : ایرنا



اردوی شاهین بوشهر در کرج



ناصر رفیعی سرپرست تیم فوتبال شاهین گفت : تیم شاهین تمرینات خود را تا روز چهارم مرداد ماه در بوشهر ادامه خواهد داد و سپس برای برپایی اردویی ۱۰ روزه راهی کرج خواهد شد .

سرپرست شاهین در ادامه افزود : این اردو از تاریخ ۵ مرداد لغایت ۱۵ مرداد در پردیس کرج برگزار خواهد شد و طبق برنامه کادر فنی ضمن تمرینات آماده سازی ، تعدادی بازیکن جدید نیز در این اردو به تیم شاهین ملحق خواهند شد .

آغاز رقابت های لیگ دسته یک باشگاههای کشور با یک هفته تاخیر

با اعلام فدراسیون فوتبال ایران رقابتهای لیگ دسته یک باشگاههای کشور با یک هفته تاخیر و از تاریخ ۲۳ شهریور ماه آغاز خواهد شد . پیش از این قرار بود این رقابتها از تاریخ ۱۶ شهریور ماه آغاز شود . سال گذشته نیز مسابقات لیگ دسته یک با دو هفته تاخیر آغاز شد . رقابتهای لیگ دسته یک در دو گروه ۱۴ تیمی برگزار خواهد شد که تیمهای اول هر گروه به طور مستقیم به لیگ برتر صعود خواهند کرد و برنده دیدار تیمهای دوم هر گروه در رقابت playoff به مصاف تیم چهاردهم لیگ برتر خواهد رفت تا تیم برنده لیگ برتری شود . لازم به ذکر است که از هر گروه ۴ تیم به لیگ دسته دو سقوط خواهند کرد .

دعوت بازیکن نونهال شاهین به تیم ملی

اردوی استعدادیابی و انتخابی تیم ملی نونهالان زیر ۱۴ سال در دو گروه در کمپ تیم های ملی برگزار می شود. اردوی آماده سازی تیم ملی نونهالان زیر ۱۴ سال در کمپ تیم های ملی برگزار می شود. محمد پورشاکر از شاهین (بوشهر) به این اردو دعوت شده است.

غلامرضازاده سرپرست جدید ایرانجوان بوشهر

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ورزش بوشهر: از سوی پورکبگانی مدیرعامل باشگاه ایرانجوان بوشهر دو حکم جدید برای این باشگاه صادر گردید.

۱) عبدالحسین غلامرضازاده بعنوان سرپرست باشگاه ایرانجوان بوشهر انتخاب شد. وی سابقه ۳۰ سال حضور در استانداری را دارد و بعنوان مدیر پشتیبانی در استانداری مشغول به فعالیت بوده است. همچنین ایشان از ایرانجوانی‌های قدیمی می‌باشد.

۲) عباس حاجی‌زاده هم بعنوان مدیر پشتیبانی حکم خود را از پورکبگانی مدیرعامل باشگاه دریافت کرده است. وی سابقه حضور چندین ساله‌ای را در جمع ایرانجوانی‌ها دارد. و از زحمتکشان این باشگاه به حساب می‌آید.

دعوت دانشگر به اردوی تیم ملی جوانان



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ورزش بوشهر: اکبر محمدی سرمربی تیم ملی جوانان، ۲۵ بازیکن را به اردوی تیم ملی جوانان دعوت کرد. به گزارش سایت رسمی فدراسیون فوتبال، این اردو از یک تا ۸ مرداد در هتل المپیک برگزار می شود. بازیکنان باید روز یکشنبه اول مرداد ساعت ۱۷ خودشان را به کادر فنی تیم ملی معرفی کنند. تاریخ خروج از اردوی تیم ملی جوانان بعدازظهر یک شنبه ۸ مرداد خواهد بود. محمد دانشگر(بوشهر) نیز به اردوی تیم ملی دعوت شده است.

سه شکایت جدید از شاهین

کمیته انضباطی برای رسیدگی به شکایات واصله به این کمیته از احضارهایی خبر داد. به گزارش سایت رسمی فدراسیون فوتبال خبر داد: با شکایت شاهین شفیعی، محمدعلی اکبرخواه گل سفیدی و سید محمد حسین نژاد شاهرودی از باشگاه شاهین بوشهر، نمایندگان باشگاه و بازیکنان نامبرده باید روز ۱۷ مرداد ۹۱ در کمیته انضباطی حاضر شوند.عدم حضور مانع از رسیدگی نیست.

بازیکن بوشهری، مجدداً به تیم ملی دعوت شد

ملی‌پوشان تیم فوتبال ۷ نفره جانبازان و معلولین، مرحله‌ای دیگر از تمرینات خود را برای حضور در رقابتهای پارالمپیک لندن آغاز می‌کنند. به گزارش ایلنا، ۱۱ملی‌پوش از استانهای کرمانشاه، فارس، تهران، گیلان، زنجان و بوشهر، زیر نظر امین اله مانی (سرمربی) و احمد جانعلی (مربی) تمرینات آماده سازی را انجام خواهند داد. عبدالرضا کریمی‌زاده از بوشهر نیز به این اردو دعوت شده است.